

فهرست مطالب

قوانین خاص حقوق مدنی.....	۴
قانون مسئولیت مدنی	۵
قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه	۱۱
قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه	۱۸
قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶	۳۶
قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶	۴۷
قانون تملک آپارتمانها	۵۱
قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹	۵۵
قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان با آخرین اصلاحات ۱۳۸۹	۵۹
قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۹۲	۶۳
قانون حمایت خانواده	۷۰
مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۰۱	۷۰
قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت	۷۸
قوانین خاص آیین دادرسی مدنی.....	۹۷
قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی	۹۸
قانون حمایت از خانواده	۱۰۵
قانون شوراهای حل اختلاف	۱۱۸
قانون دیوان عدالت اداری	۱۲۹
قانون اجرای احکام مدنی	۱۵۸
قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب	۱۸۴
قانون وکالت ۱۳۱۵ (با آخرین اصلاحات)	۱۸۹
لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری	۱۹۷
قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری ۱۳۷۶	۲۰۱
قانون امور حسبی	۲۰۴

.....	موسسه آموزش عالی آزاد فاضل	۲۲۰
.....	قانون افراز و فروش املاک مشاع	۲۲۰
.....	قوانین خاص حقوق تجارت	۲۲۲
.....	قانون جدید اصلاح صدور چک مصوب ۱۴۰۰	۲۲۳
.....	قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک	۲۳۹
.....	قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی	۲۴۱
.....	قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران (با آخرین اصلاحات ۱۳۹۳)	۲۵۲
.....	قانون اجرای سیاستهای کلی اصل چهل و چهارم (۴۴)	۲۶۸
.....	قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران	۲۹۹
.....	قانون تجارت الکترونیکی	۳۱۱
.....	قانون راجع به ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰	۳۲۳
.....	قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی	۳۲۵
.....	قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی	۳۲۶
.....	مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۱۵	۳۲۶
.....	فهرست مواد مهم برخی از قوانین خاص حقوقی	۳۳۵
.....	قانون ثبت اسناد و املاک	۳۳۶
.....	فهرست جدیدترین اصلاحات مربوط به قوانین اصلی حقوق	۳۳۸
.....	« قانون اصلاح ماده (۲۴۱) لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت »	۳۳۹
.....	قوانین خاص جزایی و کیفری	۳۴۰
.....	قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸	۳۴۰
.....	قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷	۳۴۹
.....	قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴	۳۵۴
.....	قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵	۳۵۹
.....	قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز	۳۶۱
.....	قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن	۳۸۱
.....	الحاق ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۹۶	۳۸۹

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸ ۳۹۰

اصول جزایی قانون اساسی: ۳۹۱

قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۳۹۳

قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷ ۳۹۵

جرایم و مجازات ها از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰ با اصلاحات بعدی ۳۹۷

قانون نظارت بر رفتار قضات ۴۰۰

قانون مبارزه با پولشویی ۴۱۰

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۴۱۷

مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ ۴۱۷

قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ۴۲۱

مصوب ۵ فروردین ماه ۱۳۰۸ ۴۲۱

قوانین خاص حقوق مدنی

قانون مسئولیت مدنی

مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹

ماده ۱- هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد.

ماده ۲- در موردی که عمل واردکننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارات مزبور محکوم می نماید و چنانچه عمل وارد کننده زیان موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.

ماده ۳- دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد، جبران زیان را به صورت مستمری نمی شود تعیین کرد مگر آنکه مدیون تأمین مقتضی برای پرداخت آن بدهد یا آنکه قانون آن را تجویز نماید.

ماده ۴- دادگاه می تواند میزان خسارت را در موارد زیر تخفیف دهد:

۱- هر گاه پس از وقوع خسارت وارد کننده زیان به نحو موثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد.

۲- هر گاه وقوع خسارت ناشی از غفلیتی بوده که صرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

۳- وقتی که زیان دیده به نحوی از انحاء موجبات تسهیل ایجاد زیان را فراهم نموده یا به اضافه شدن آن کمک و یا وضعیت وارد کننده زیان را تشدید کرده باشد.

ماده ۵- اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده و بدن او نقصی پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است. دادگاه جبران زیان را با رعایت اوضاع و احوال قضیه به طریق مستمری و یا پرداخت مبلغی دفعتاً واحده تعیین می نماید و در مواردی که جبران زیان باید به طریق مستمری به عمل آید تشخیص اینکه به چه اندازه و تا چه مبلغ می توان از وارد کننده زیان تأمین گرفت با دادگاه است. اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی به طور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدیدنظر نسبت به حکم خواهد داشت.

ماده ۶- در صورت مرگ آسیب دیده زیان شامل کلیه هزینه ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می باشد، اگر مرگ فوری نباشد هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او شخص ثالث از آن حق محروم گردد وارد کننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب تا مدتی که ادامه حیات آسیب دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده به آن شخص پرداخت کند در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود با دادگاه است.

در صورتی که در زمان وقوع آسیب نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت.

ماده ۷- کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرار داد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون یا صغیر می باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده زیان نباشد.

❖ نکته:

این ماده فقط راجع به مسئولیت سرپرست نسبت به خسارات وارده از ناحیه صغیر (اعم از ممیز یا غیر ممیز) و مجنون است. و در مورد سفیه قابل اجرا نیست.

📖 توضیح بیشتر:

منظور از کسی که نگهداری مجنون یا صغیر بر حسب قرارداد بر عهده اوست مانند مربی مهدکودک - پرستار بچه و ... است.

ماده ۸ - کسی که در اثر تصدیقات یا انتشارات مخالف واقع به حیثیت و اعتبارات و موقعیت دیگری زیان وارد آورد مسئول جبران آن است .

شخصی که در اثر انتشارات مزبور یا سایر وسائل مختلف حسن نیت مشتریانش کم و یا در معرض از بین رفتن باشد می تواند موقوف شدن عملیات مزبور را خواسته و در صورت اثبات تقصیر زیان وارده را از وارد کننده مطالبه نماید.

ماده ۹ - دختری که در اثر اعمال حيله یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی مطالبه زیان معنوی هم بنماید.

ماده ۱۰ - کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذر خواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.

ماده ۱۱ - کارمندان دولت و شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارات وارده می باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسائل ادارات و مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هر گاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

❖ نکته:

بر اساس ماده ۱۱ ق.م.م. در مورد خسارات کارمندان دولت، شهرداری ها و مؤسسات وابسته به آن ها:

* اگر خسارت ناشی از عمد یا بی احتیاطی کارمند باشد جبران خسارت بر عهده خود اوست

* در صورتی که خسارت مستند به عمل کارمند نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد جبران خسارت به عهده اداره یا موسسه خواهد بود.

اعمال دولتی

✓ اعمال تصدی

✓ اعمال حاکمیتی

در خصوص اقداماتی که دولت در مقام اعمال حاکمیت و اعمال حاکمیتی انجام می دهد اگر اقدامات بر حسب ضرورت و در راستای منافع اجتماعی و مطابق قانون به عمل آید و موجب ضرر غیر گردد دولت مسئولیتی نخواهد داشت.

ماده ۱۲ - کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارده شده است مگر اینکه محرز شود تمام احتیاط هائی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده یا اینکه اگر احتیاط های مزبور را به عمل می آوردند باز

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید

📌 نکته:

بر اساس ماده ۱۲ ق.م.م. کارفرمایان مشمول قانون کار، مسئول جبران خساراتی هستند که از طرف کارکنان اداری یا کارگران در حین انجام کار یا به مناسبت آن به دیگران وارد می شود. مگر آن که ثابت شود، تمام احتیاطات لازم را به عمل آورده یا اگر هم احتیاط های لازم را به عمل می آورد باز هم جلوگیری از ورود ضرر ممکن نبود. در اینجا قانون گذار تقصیر کارفرما را مفروض دانسته است.

ماده ۱۳ - کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارات وارده از ناحیه آنان به اشخاص ثالث بیمه نمایند.

ماده ۱۴- در مورد ماده ۱۲ هر گاه چند نفر مجتمعاً زبانی وارد آورند متضامن مسئول جبران خسارات وارده هستند. در این مورد میزان مسئولیت هر یک از آنان با توجه به نحوه مداخله هر یک از طرف دادگاه تعیین خواهد شد.

ماده ۱۵ - کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدی شود مسئول خسارت نیست مشروط بر اینکه خسارت وارده بر حسب متعارف متناسب با دفاع باشد.

ماده ۱۶ وزارت دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

۱- شرکت پیمانکاری در برابر وزارت نیرو، احداث یک سد جهت بهره برداری در امر کشاورزی منطقه را برعهده می گیرد. اگر در مدت قرارداد سد را آماده نکنند، براساس حقوق ایران، مسئول کدامیک از خسارات زیر است؟
(دکتری سراسری، ۹۶)

(۱) قیمت آبهای هدر رفته

(۲) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات مردم که در اثر کم آبی آسیب دیده اند

(۳) قیمت آبهای هدر رفته و منافی که با بهره برداری از آب سد در امر کشاورزی حاصل می شود

(۴) قیمت آبهای هدر رفته و خسارات باغات و منافی که با بهره برداری از آب سد حاصل می شده است.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

۲- قابلیت پیش بینی ضرر، در کدام مورد شرط است؟
(ارشد سراسری ۹۶)

(۱) مسئولیت دارنده اتومبیل

(۲) خسارت وارده به مصرف کننده ناشی از عیب تولید کالا

(۳) خسارات ناشی از صدمه های بدنی که در آینده ظاهر می شود

(۴) مسافری که سابقه بیماری و در اثر ترمز ناگهانی قطار، دچار حمله قلبی شود.

✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۳- والدین صغیری نگهداری او را در ساعات اداری به موجب قرارداد به مهدکودک سپرده اند، در همین مدت، صغیر به دیگری خسارت وارد می سازد، کدام مورد در خصوص مسئولیت جبران خسارت، صحیح است؟ (وکالت ۹۵)

(۱) اصولاً والدین مسئول جبران خسارت هستند، مگر اینکه ثابت کننده تقصیری در تربیت طفل نکرده اند.

(۲) صغیر مسئول است و باید از مال او، جبران خسارت شود.

(۳) صغیر، مهدکودک و والدین، مسئولیت تضامنی دارند.

(۴) مهدکودک در هر حال مسئول جبران خسارت است.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۴- در دعوای مسئولیت مدنی در کدام مورد زیان دیده باید تقصیر وارد کننده زیان را اثبات نماید؟

(۱) در دعوای زیان دیده علیه مربی مهدکودک به خاطر خسارت ناشی از فعل کودک

(۲) در دعوای مالک مال مسروقه علیه خریداری که از مسروقه بودن آن مال اطلاع نداشته باشد

(۳) در دعوای مسافر علیه متصدی حمل دریایی، چنانچه خسارات بدنی ناشی از غرق شدن کشتی باشد.

(۴) در دعوای همسایه زمین فوتبال، علیه بازیکنی که در نتیجه پرتاب توپ شیشه آن ملک را شکسته است.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است.

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

۵- کارگری بر اثر حادثه کار، از کار افتاده کلی می شود. براساس نظر بازرس کار و رأی دادگاه، کارفرما مقصر حادثه تشخیص داده شود. چنانچه کارفرما حق بیمه تأمین اجتماعی پرداخته باشد، میزان مسئولیت او چقدر است؟ (دکتری سراسری ۹۲ و ۹۳)

- (۱) کارفرما نه تکلیفی به پرداخت دیه به کارگر را دارد و نه لازم است مبالغ مستمری پرداخت شده به کارگر توسط سازمان تأمین اجتماعی را به آن سازمان مسترد نماید.
- (۲) با توجه به این که کارفرما کارگر را نزد سازمان تأمین اجتماعی بیمه کرده است، کارگر تنها می تواند از آن سازمان مستمری دریافت کند، اما حق گرفتن دیه از کارفرما را ندارد.
- (۳) کارفرما نه تنها باید به کارگر دیه بپردازد بلکه مبالغی را نیز که سازمان تأمین اجتماعی بابت مستمری به کارگر پرداخته است باید به آن سازمان مسترد نماید.
- (۴) کارفرما باید به کارگر دیه بپردازد، اما با توجه به این که حق بیمه کارگر را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخته است، تکلیفی به استرداد مبالغ مستمری پرداخت شده به کارگر توسط آن سازمان را ندارد.
- ✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۶- شخص الف به اتهام تخریب و سرقت علیه شخص ب دعوای کیفری طرح می کند اما دادگاه تشخیص ب را از اتهام منتسبه تبرئه می نماید. آیا شخص الف می تواند از طریق دعوای حقوقی خواهان جبران خسارت وارد شده ناشی از فعل شخص ب شود؟ (ارشد سراسری ۹۲)

- (۱) با عنایت به اعتبار امر مختوم کیفری در دعوای مدنی، امکان طرح دعوای جبران خسارت وجود ندارد.
- (۲) شخص الف می تواند دعوای حقوقی طرح کند.
- (۳) نسبت خسارات بدنی امکان طرح دعوای حقوقی وجود ندارد اما نسبت به خسارات مالی شخص الف می تواند دعوای حقوقی طرح کند.
- (۴) شخص الف تنها ضمن دعوای کیفری می توانست تقاضای ضرر و زیان ناشی از جرم نماید.
- ✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۷- براساس نظریه تضمین حقوق، کدام عبارت صحیح است؟ (دکتری سراسری ۹۱)

- (۱) به منظور تضمین حق زیانده هر زبانی قابل مطالبه است.
- (۲) خسارت صرفاً در صورتی که قابل مطالبه است که وارد کننده زیان از حق خود سوء استفاده کرده باشد.
- (۳) اگر لازمه اجرای اصل حقی ورود زیان به دیگران باشد، خسارت ناشی از آن قابل مطالبه نیست.
- (۴) مطالبه زیانهای وارده به اشخاص، به طور کلی، باید توسط دولت تضمین شود.
- ✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

۸- در یک فیلم «حرفه وکالت دادگستری» مورد اهانت واقع شده است، چه کسی حق مطالبه خسارت دارد؟

(دکتری سراسری ۹۱)

- (۱) دادستان یا هر شخصی در جامعه
- (۲) هر وکیل دادگستری یا کانون وکلای دادگستری
- (۳) هر وکیل دادگستری
- (۴) کانون وکلای دادگستری
- ✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۹- در خصوص مسئولیت مدنی کودک غیر ممیز کدام عبارت صحیح نیست؟ (وکالت ۹۱)

- ۱) کودک غیر ممیز در قبال ضرر و زیان ناشی از جرم مسئولیت مدنی دارد.
- ۲) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیر ممیز منحصر به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او باشد، خود کودک در هیچ فرضی تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد.
- ۳) کودک غیر ممیز در قبال خسارات بدنی که به دیگران وارد می کند تا میزان دیه مسئولیت مدنی ندارد.
- ۴) چنانچه خسارات ناشی از فعل کودک غیر ممیز منحصر به دلیل تقصیر سرپرست کودک در نگهداری او وارد شده باشد و سرپرست به دلیل عدم تمکن مالی توانایی پرداخت بخشی از خسارات زیان دیده را نداشته باشد، مابقی خسارت از اموال خود کودک پرداخت می شود.

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۰- اگر در اثر اشتباه قاضی، ضرری متوجه افراد شود و قاضی مقصر نباشد، جبران خسارت به عهده چه کسی است؟ (قضایوت ۹۱)

- ۱) شخص خود قاضی
- ۲) دولت
- ۳) قوه قضاییه
- ۴) وزارت دادگستری

☑ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۱- در صورت تعدد کارگرانی که در حین انجام کار به دیگری ضرر وارد نموده اند

۱. مسئولیت آنان در برابر کارفرما تضامنی است
۲. مسئولیت آنان در برابر زیان دیده تضامنی است
۳. دادگاه میزان مسئولیت هر یک در برابر زیان دیده را با توجه به نحوه مداخله او تعیین می کند.
۴. در رابطه بین کارگران مسئولیت تضامنی خواهد بود.

☑ گزینه ۲ صحیح است.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه

مصوب ۱۳۶۳

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف به سازمان حج و اوقاف و امور خیریه تغییر نام می‌یابد و امور ذیل به عهده این سازمان واگذار می‌گردد.

۱- اداره امور موقوفات عام که فاقد متولی بوده یا مجهول التولیه است و موقوفات خاصه در صورتی که مصلحت وقف و بطون لاحق و با رفع اختلاف موقوف علیهم متوقف بردخال ولی فقیه باشد.

۲- اداره امور اماکن مذهبی اسلامی که ترتیب خاصی برای اداره آنها داده نشده است. به استثناء مساجد و مدارس دینی و تکایا.

۳- اداره امور مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که از طرف دولت یا سایر مراجع ذیصلاح به سازمان محول شده یا بشود.

۴- اداره مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) ضم امین در مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل مدیر آن فاقد صلاحیت باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) و همچنین است در صورت نبودن باعدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد).

اداره مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل، فاقد مدیر باشد (تا تعیین تکلیف از طرف دادگاه) بر عهده سازمان است. اما در مؤسسات و انجمنهای خیریه‌ای که به تشخیص دادستان محل، مدیر آن فاقد صلاحیت باشد و همچنین در صورت نبودن یا عدم صلاحیت ناظر (در مواردی که ناظر پیش بینی شده باشد) ضم امین به عهده سازمان است.

۵- انجام امور مربوط به گورستانهای متروکه موقوفه‌ای که متولی معین ندارند و اتخاذ تصمیم لازم در مورد آنها.

۶- کمک مالی در زمینه تبلیغ و نشر معارف اسلامی.

تبصره ۱ - سرپرست سازمان باید از طرف ولی فقیه مجاز در تصدی اموری که متوقف بر اذن ولی فقیه است باشد.

تبصره ۲ - بقاع متبرکه حضرت رضا علیه‌السلام و حضرت احمد ابن موسی (شیراز) و حضرت معصومه و حضرت عبدالعظیم (ع) و موقوفات مربوط به آنها که متولی خاص نداشته باشد و موقوفاتی که برای اداره هر کدام آنها از طرف ولی فقیه نایب‌التولیه تعیین شده یا بشود از شمول این قانون مستثنی است و در غیر این صورت اداره آنها با سازمان خواهد بود.

ماده ۲ - از تاریخ تصویب این قانون سازمان اوقاف از نخست‌وزیری منتزع و اداره امور حج و زیارت اماکن متبرکه اسلامی خارج از کشور و اموراوقاف تحت عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وابسته به وزارت ارشاد اسلامی اداره می‌شود.

ماده ۳ - هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد.

❖ نکته : متولی مدیر شخصیت حقوقی است و نباید او را نماینده واقف شمرد.

ماده ۴ - متولی موقوفه کسی است که به موجب مفاد وقفنامه و مقررات قانون مدنی یا این قانون واجد این سمت باشد. در مورد اعتراض اشخاص بارعایت مواد ۱۴ تا ۱۷ این قانون اقدام خواهد شد .

تبصره ۱ - موقوفاتی که متولی آنها عزل یا فوت می‌شود تا تشخیص متولی بعدی و موقوفاتی که متولی آنها ممنوع‌المداخله می‌شود تا رفع ممنوعیت یا ضم امین در حکم موقوفات بدون متولی است.

تبصره ۲ - هر گاه شخص یا اشخاصی که در وقفنامه به عنوان متولی معین شده‌اند وجود نداشته باشند و یا اوصاف مقرر در وقفنامه منطبق باشخص یا اشخاص معینی نگردد موقوفه در حکم موقوفه مجهول‌التولیه است.

تبصره ۳ - در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هر گاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکیلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد مراتب کتباً به متولی ابلاغ خواهد شد هر گاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم

ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج از کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل نماید **موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با/بلاغ سازمان** از دخالت ممنوع می‌شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده‌اند خواهد بود.

ماده ۵ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌تواند در اموری که اداره آن به عهده این سازمان است شخص یا هیأتی از اشخاص متدین و معروف به امانت را به عنوان امین یا هیأت امانت تعیین نماید.

تبصره ۱ - نحوه انتخاب و برکناری و شرایط و حدود اختیارات و وظایف امین یا هیأت امانت و میزان حق الزحمه آنان و همچنین نظامات راجع به حفظ و نگهداری اماکن و اموالی که اداره آن به عهده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه می‌باشد به موجب آیین‌نامه‌هایی که بر اساس مقررات و سنن و خصوصیات اماکن مربوط که به تصویب هیأت وزیران می‌رسد خواهد بود.

تبصره ۲ - ندور نقدی که جهت مشخصی برای مصرف آن معین نشده است و وجوه حاصل از فروش اموال منقول زائد بر احتیاجی که به این قبیل اماکن اهداء می‌شود با جلب نظر اداره اوقاف به وسیله هیأت امانت به ترتیب در امور ذیل مصرف می‌شود:

الف - عمران و آبادی اماکن مذکور.

ب - تدارک وسائل رفاه و بهداشت زوار این اماکن و ساکنان ناحیه.

ج - نشر معارف اسلامی و تبلیغات مذهبی و تعظیم شعائر دینی در آن محل.

د - کمک به مدارس علوم دینی در آن محل.

ه - خیرات و مبرات مطلقه.

ماده ۶ - صرف درآمد موقوفات به منظور بقاء عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیت واقف فراهم آورد.

تبصره - در صورتی که درآمد یک ساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید.

ماده ۷ - هر گاه متولی یا ناظر نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر در وقفنامه و قانون و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط مسامحه و اهمال ورزد، با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول یا ممنوع‌المداخله یا ضم امین خواهد شد.^۱

تبصره ۱ - به متولی و ناظر ممنوع‌المداخله در زمان ممنوعیت حق التولیه و حق النظاره تعلق نخواهد گرفت مگر آنکه براءت آنان ثابت شود و در مواردی که ضم امین می‌شود اوقاف حق امین را خواهد پرداخت.

تبصره ۲ - در مواردی که مطابق قانون مدنی یا این قانون ضم امین می‌شود دادگاه ها می‌توانند سازمان حج و اوقاف و امور خیریه را هم به عنوان امین تعیین کنند.

تبصره ۳ - نسبت به تعدی و تفریط یا سایر تخلفات مدیران و امانت مؤسسات و بنیادهای خیریه طبق اساسنامه مؤسسه و بنیاد مربوط اقدام خواهد شد. و در صورتی که اساسنامه آنها در این موارد ساکت یا ناقص باشد مشمول مقررات پیش‌بینی شده در این ماده و تبصره‌های آن خواهند بود.

تبصره ۴ - کلیه مباشران موقوفات و اماکن مذهبی اعم از متولی و ناظر و امانت و مدیران و امانت و بنیادهای خیریه مذکور در این قانون در حکم امین می‌باشند در صورت تعدی یا تفریط یا تخلفات دیگر ملزم به تأدیه حقوق و وجوه و اموال و جبران خسارات ناشی از اعمال خود خواهند بود هر گاه عمل آنها مشمول عناوین کیفری باشد از طریق مراجع قضایی نیز تعقیب و به مجازات مقرر محکوم خواهند شد.

^۱ ماده ۷۹ قانون مدنی - واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که در ضمن عقد وقف، متولی قرار داده شده است، عزل کند مگر در صورتی

که حق عزل شرط شده باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضم امین می‌کند.

ماده ۸ - در آمد موقوفات مجهول‌المصرف و موقوفاتی که به صیغه مبرات مطلقه وقف شده قابل مصرف در تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می‌باشد زیر نظر سازمان به مصرف می‌رسد.^۲

تبصره - در آمد موقوفات متعذرالمصرف و موقوفاتی که عواید آنها به سبب قلت گرچه با پس‌انداز چند سال برای اجرای نظر واقف کافی نباشد با تشخیص تحقیق اوقاف در موارد اقرب به غرض واقف در محل به مصرف می‌رسد. آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عوائد زائد بر مصرف متعارف باشد حتی‌الامکان در موارد اقرب به نظر واقف صرف گردد و در صورت نبودن مورد اقرب در مطلق امور خیریه به مصرف خواهد رسید. مقصود از متعذرالمصرف آن است صرف درآمد موقوفه در مصارف مقرر به علت فراهم نبودن وسایل و یا انتفاء موضوع و یا عدم احتیاج به مصرف مقدور نباشد.

قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳، نسخ بند ۲ ماده ۹۱ قانون مدنی است.

ماده ۹ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه نسبت به مواردی که در بندهای ماده یک این قانون به عهده آن گذاشته شده در صورت عدم اقدام متولی یا امناء یا موقوف علیهم حق تقاضای ثبت و سایر اقدامات لازم و اعتراض و اقامه دعوی را دارد همچنین می‌تواند در مواردی که لازم بداند و مصلحت موقوفه ایجاد نماید در دعاوی مربوط وارد دعوی شده و به احکام صادره اعتراض کند.

تبصره - در کلیه موارد مذکور در این ماده سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، موقوفات عام، بقاع متبرکه، اماکن مذهبی اسلامی، مدارس علوم دینی و مؤسسات و بنیادهای خیریه از پرداخت مخارج و هزینه‌های دادرسی و ثبتی و اجرایی معاف می‌باشند.

نکته: اشخاصی که از پرداخت هزینه دادرسی معاف می‌باشند، در صورت درخواست دستور موقت و یا تامین خواسته با توجه به شرایط مذکور در ماده ۱۰۸ آ.د.م. از پرداخت خسارت احتمالی (تامین) معاف نمی‌باشند.

ماده ۱۰ - ثبت معاملات راجع به عین یا منافع موقوفات و بنیادها و مؤسسات خیریه مذکور در ماده ۹ در دفاتر اسناد رسمی موکول به موافقت سازمان حج و اوقاف و امور خیریه است. دفاتر اسناد رسمی مکلفند رونوشت مصدق وقف‌نامه‌ها و اسناد راجع به وقف را ظرف ۱۰ روز پس از ثبت به‌اداره اوقاف مربوطه ارسال دارند.

تبصره - ادارات ثبت مکلفند رونوشت مصدق اسناد مالکیت وقف را پس از صدور به اداره اوقاف محل تحویل نمایند. متولیان نیز موظفند ظرف مدت دو ماه از تاریخ اجرای این قانون رونوشت مصدق اسناد مالکیت و رونوشت وقف‌نامه‌های موجود نزد خود را برای حفظ و نگهداری به اداره اوقاف مربوط تسلیم دارند.

ماده ۱۱ - حق التولیه متولی و یا سازمان (در قبال اعمال تولیت نسبت به موقوفات متصرفی) همچنین حق النظاره ناظر به میزان مقرر در وقف‌نامه است و در صورتی که وقف‌نامه موجود نباشد و یا میزان حق التولیه و حق النظاره در آن تعیین نشده باشد حق التولیه به مقدار اجرت‌المثل از عایدات خالص خواهد بود.

ماده ۱۲ - سازمان حج و اوقاف و امور خیریه وجوهی را که از محل هدایای مستقل و حق التولیه و حق النظاره دریافت می‌دارد طبق بودجه‌ای که هر سال تنظیم و به تصویب هیأت دولت خواهد رساند رأساً به مصرف می‌رساند.

ماده ۱۳ - وجوهی که از محل پذیره و هدایی حاصل از اجاره و استیجار رقبات موقوفه دریافت می‌گردد از عواید همان موقوفات محسوب و به مصارف مقرر خواهد رسید.

^۲ ماده ۹۱ قانون مدنی - در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بربات عمومیه خواهد شد:

۱- صورتی که منافع موقوفه، مجهول‌المصرف باشد مگر این که قدر متیقنی در بین باشد.

۲- صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است، متعذر باشد.

تبصره - نحوه و ترتیب وصول پذیره و اهدایی مطابق آیین‌نامه‌ای است که به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

ماده ۱۴ - تحقیق در جمع و خرج عواید راجع به وقف و نیز صدور مفاصا حساب و تطبیق مصارف با مفاد وقفنامه و تشخیص متولی و ناظر وموقوف علیهم (با رعایت ماده ۷ این قانون و تبصره‌های آن) با شعب تحقیق اوقاف است مگر در موقوفات منصوص‌التولیه در صورتی که مظنه تعدی و تفریط متولی نباشد.

ماده ۱۵ - هیأت تحقیق اوقاف مرکب از دو قسمت حقوقی و حسابرسی است و شعب آن بر حسب ضرورت در مراکز استانها و شهرستانها تأمین می‌گردد.

تبصره - ادارات اوقاف و اشخاص ذینفع در صورتی که اعتراض داشته باشند می‌توانند پس از ابلاغ نظر شعبه تحقیق اعتراض خود را در دادگاه‌های دادگستری طرح نمایند. حکم این ماده در مورد بنیادها و مؤسسات خیریه و اماکن مذهبی اسلامی نیز جاری است.

ماده ۱۶ - در مورد اراضی که برای احداث مراکز آموزشی یا درمانی وقف می‌شود در صورتی که متولی بدون عذر موجه در مدت مناسب باتشخیص سازمان اقدام مؤثری برای احداث آن مراکز نکند و الزام متولی هم به انجام آن ممکن نباشد سازمان می‌تواند حسب مورد آن اراضی را در اختیار وزارت آموزش و پرورش، وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی، هلال احمر محل یا سازمان دیگری که وظایف آن متناسب با اهداف واقف باشد قرار دهد تا اقدام لازم به عمل آورند.

ماده ۱۷ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون و کیفیت تحقیق در شعب تحقیق با پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۱۸ - کلیه قوانین و مقرراتی که با این قانون مغایرت دارد از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.
قانون فوق مشتمل بر هجده ماده و هفده تبصره در جلسه روز یکشنبه دوم دی ماه یک هزار و سیصد و شصت و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۶/۱۰/۶۳ به تأیید شورای محترم نگهبان رسیده است.

سوالات قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه
--

۱- چنانچه حق التولیه متولی در وقفنامه تعیین نشده باشد، پرداخت دستمزد متولی چگونه خواهد بود؟
(ارشد سراسری ۹۶)

(۱) با نظر خود متولی تعیین می شود

(۲) با نظر ورثه واقف تعیین می شود

(۳) به مقدار اجرت المثل از عایدات خالص خواهد بود

(۴) با نظر اداره اوقاف تعیین می شود.

✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است

۲- کدام مورد در خصوص تولیت مال موقوفه، صحیح است؟ (وکالت ۹۵)

(۱) حاکم نمی تواند کسی را که در ضمن عقد، متولی قرار داده شده است، عزل کند، ولی واقف در صورتی که خیانت متولی ظاهر شود، حق عزل او را دارد.

(۲) چنانچه در ضمن تعیین متولی برای وقف، شرط مباشرت شده باشد، متولی می تواند وکیل بگیرد یا تولیت را به دیگری تفویض کند.

(۳) در صورتی که دو نفر به عنوان متولی تعیین شده باشند، در هر حال با فوت هر یک، حاکم شخصی را ضمیمه خواهد کرد.

(۴) واقف می تواند خود را متولی قرار داده و از منافع موقوفه، مبلغی به عنوان حق تولیت برای خود تعیین کند.

✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۳- مطابق قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه، درآمد موقوفات متعذرالمصرف در کدام مورد صرف می شود؟
(دکتری سراسری ۹۴)

(۱) بریات عمومی

(۲) عمران موقوفات

(۳) اقرب به غرض واقف

(۴) تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی

✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

تبصره: ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف

۴- شخصی مزرعه را وقف کرده است تا منافع آن، صرف هزینه و نگهداری آب انبار روستای خاصی شود. اگر به دلیل لوله کشی آب آشامیدنی، آب انبار روستا بلا استفاده باشد، تکلیف منافع موقوفه چیست؟
(ارشد سراسری ۹۴)

(۱) صرف بریات عمومی می شود

(۲) برای لوله کشی آب هزینه می شود

(۳) برای اموری که اقرب به غرض واقف است، هزینه می شود.

(۴) موقوفه فروخته شده و حاصل آن، در موردی که اقرب به غرض واقف است، وقف می شود.

✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

گزینه ۱ در کلید اعلامی پاسخ صحیح تعیین شده است اما طبق تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۳ گزینه ۳ صحیح می باشد.

۵- چنان چه متولی برای امور موقوفه وکیل انتخاب کند و به تشخیص سازمان اوقاف، وکیل قادر به انجام وظایف محوله نباشد، کدام گزینه صحیح است؟ (وکالت ۹۲)

۱. تغییر یا عزل وکیل منحصر در اختیار متولی است و هیچ مرجع دیگری حق ممنوع کردن یا عزل وکیل را ندارد.
 ۲. اگر پس از ابلاغ کتبی سازمان اوقاف، متولی وکیل را عزل نکند دادگاه به درخواست سازمان حکم عزل او را صادر می نماید.
 ۳. با درخواست سازمان کتبی اوقاف متولی باید وکیل را ظرف دو ماه تغییر دهد در غیر این صورت وکیل منعزل می شود.
 ۴. چنان چه پس از ابلاغ کتبی سازمان اوقاف، متولی وکیل را تغییر ندهد پس از ثبوت عدم توانایی در دادگاه وکیل مزبور از دخالت در موقوفه ممنوع می گردد.
- ✓ گزینه ۴ صحیح است.**

تبصره ۳ ماده ۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۲/ ۱۰/ ۱۳۶۳: تبصره ۳ - در موقوفاتی که شرط مباشرت نشده باشد هرگاه متولی برای انجام تمام یا قسمتی از امور مربوط به موقوفه وکلی انتخاب کند وکیل مزبور باید توانایی انجام مورد وکالت را داشته باشد در صورتی که وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفا وظایف محوله نباشد مراتب کتبا به متولی ابلاغ خواهد شد هرگاه ظرف دو ماه برای متولیان مقیم ایران و چهار ماه برای متولیان مقیم خارج کشور، متولی، اقدام به تغییر وکیل ننماید موضوع به دادگاه صالح احاله و پس از ثبوت عدم توانایی وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می شود این حکم شامل وکلایی که قبلاً نیز انتخاب شده اند خواهد بود.

۶- هرگاه صرف منافع موقوفه در امور خاصی که واقف تعیین کرده است ممکن نباشد، منافع موقوفه در چه راهی مصرف خواهد شد؟ (ارشد سراسری ۸۷)

- ۱) تبدیل به احسن خواهد شد
 - ۲) در اختیار سازمان اوقاف گذاشته خواهد شد
 - ۳) صرف راههای خیر که نفع عام داشته باشد خواهد شد
 - ۴) صرف راههایی که اقرب به غرض واقف باشد خواهد شد
- ✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.**
- گزینه ۳ در کلید اعلامی پاسخ صحیح تعیین شده است اما طبق تبصره ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۳ گزینه ۴ صحیح می باشد.

۷- نظارت در وقف چه نوع نظارتی است؟ (وکالت ۸۷)

- ۱) صرفاً استصوابی است.
 - ۲) برحسب اراده واقف استصوابی یا اطلاعی است
 - ۳) صرفاً اطلاعی است
 - ۴) همیشه هم اطلاعی و هم استصوابی است.
- ✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.**

۸- درآمد موقوفات مجهول المصرف (وکالت ۸۵)

- ۱) صرف بریات عمومی می شود
 - ۲) اقرب به غرض واقف می رسد
 - ۳) با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصرف فقرا می رسد
 - ۴) صرف تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی می شود
- ✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.** طبق ماده ۸ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۳

۹- آن قسمت از درآمد موقوفاتی که به علت کثرت عوائد، زائد بر مصرف متعارف باشد، چگونه به مصرف می رسد؟

(۱) صرف بریات عمومی می شود.

(۲) به اقرب به غرض واقف می رسد.

(۳) صرف تحقیق و تبلیغ و نشر کتب در زمینه معارف اسلامی و عمران موقوفات می شود.

(۴) با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصرف فقرا می رسد.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۱۰- در یک عقد وقف که برای متولی شرط مباشرت نشده است متولی اقدام به تعیین و کیلی می نماید توانایی انجام امور وکالت را ندارد اگر وکیل انتخابی به تشخیص سازمان قادر به ایفاء وظایف محوله نباشد، سازمان چه اقدامی می کند؟

(۱) سازمان می تواند وکیل را عزل نماید

(۲) مال موقوفه در حکم موقوفات بدون متولی است و اداره آن با سازمان است

(۳) موضوع به دادگاه صالحه احاله و سپس از ثبوت عدم توانایی، وکیل مزبور با ابلاغ سازمان از دخالت ممنوع می شود.

(۴) متولی خود اقدام به اداره مالی موقوفه می کند.

✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

۱۱- در مورد متولی یا ناظری که نسبت به عین یا منافع موقوفه تعدی یا تفریط نماید یا در انجام وظایف مقرر مسامحه و اهمال ورزد چه اقدامی می شود.

(۱) با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه معزول خواهد شد

(۲) با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه ممنوع المداخله خواهد شد

(۳) با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه ضم امین خواهد شد

(۴) با رسیدگی شعبه تحقیق و حکم دادگاه حسب مورد معزول، ممنوع المداخله و یا ضم امین خواهد شد

✓ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه

مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰

بخش نخست - کلیات

ماده ۱- اصطلاحات به کار برده شده در این قانون، دارای معانی به شرح زیر است:

الف - خسارت بدنی: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی، نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی - موقت یا دائم، دیه فوت و هزینه معالجه با رعایت ماده (۳۵) این قانون به سبب حوادث

مشمول بیمه موضوع این قانون

ب - خسارت مالی: زیان‌هایی که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

پ - حوادث: هرگونه سانحه ناشی از وسایل نقلیه موضوع بند (ث) این ماده و محمولات آنها از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش سوزی و یا انفجار یا هر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیرمترقبه

ت - شخص ثالث: هر شخصی است که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه

ث - وسیله نقلیه: وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی شهری و بین شهری و واگن متصل یا غیرمتصل به آن و یدک و کفی (تریلر) متصل به آنها

ج - صندوق: صندوق تأمین خسارت های بدنی

چ - بیمه مرکزی: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

ح - راهنمایی و رانندگی: پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۲- کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

تبصره ۱- دارند از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هر کدام که بیمه نامه موضوع این ماده را تحصیل کند تکلیف از دیگری ساقط می شود.

تبصره ۲- مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد. در هر حال خسارت وارد شده از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد.

❖ نکته:

در قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث، برای مالک (دارنده) وسیله نقلیه مسئولیت نوعی (بدون تقصیر) مقرر شده است. یعنی شخص صرفاً به واسطه مالکیت خویش بر وسیله نقلیه، مسئول جبران خسارات بدنی یا مالی است که در نتیجه حوادث مربوط به وسیله نقلیه مزبور به اشخاص ثالث وارد می شود.

❖ نکته:

برای مطالبه خسارت از دارنده وسیله نقلیه نیازی به اثبات تقصیر وی نیست، همین که بتوان وسیله نقلیه متعلق به او را مسبب حادثه دانست، خسارت از وی قابل مطالبه است، و از محل بیمه نامه وسیله نقلیه وصول خواهد شد. در عین حال مسئولیت دارنده، مانع از مسئولیت شخصی که بروز حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل اوست (راننده مقصر) نخواهد بود.

ماده ۳- دارنده وسیله نقلیه مکلف است برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام، بیمه حوادث اخذ کند؛ مبنای محاسبه میزان خسارت قابل پرداخت به راننده مسبب حادثه، معادل دیه فوت یا دیه و یا ارش جرح در فرض ورود خسارت بدنی به مرد مسلمان در ماه غیر حرام و هزینه معالجه آن می باشد. سازمان پزشکی قانونی مکلف است با درخواست راننده مسبب حادثه یا شرکت بیمه مربوط، نوع و درصد صدمه بدنی وارد شده را تعیین و اعلام کند. آیین نامه اجرائی و حق بیمه مربوط به این بیمه نامه به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تصویب شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۴- در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث:

الف - در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه، دارای بیمه نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت های وارد شده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه بیمه گر و مسبب حادثه طرح می کند. این حکم، نافی مسؤولیت های کیفری راننده مسبب حادثه نیست.

ب - در صورتی که وسیله نقلیه، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان دیده یا قائم مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می کند.

پ - در صورتی که خودرو، فاقد بیمه نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک، شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارت بدنی وارد شده محکوم می شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می شود و با پیش بینی در بودجه های سالانه، صد درصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می یابد.

ماده ۵ - شرکت سهامی بیمه ایران مکلف است طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کند. سایر شرکتهای بیمه متقاضی فعالیت در رشته بیمه شخص ثالث می توانند پس از اخذ مجوز از بیمه مرکزی اقدام به فروش بیمه نامه شخص ثالث کنند. بیمه مرکزی موظف است براساس آیین نامه اجرائی که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد، برای شرکتهای متقاضی، مجوز فعالیت در رشته شخص ثالث صادر کند. در آیین نامه اجرائی موضوع این ماده مواردی از قبیل حداقل توانگری مالی شرکت بیمه، سابقه مناسب پرداخت خسارت، داشتن نیروی انسانی و ظرفیت های لازم برای صدور بیمه نامه و پرداخت خسارت باید مد نظر قرار گیرد. شرکتهایی که مجوز فعالیت در این رشته بیمه ای را از بیمه مرکزی دریافت می کنند، موظفند طبق مقررات این قانون و آیین نامه های مربوط به آن، با کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون قرارداد بیمه منعقد کنند. ادامه فعالیت در رشته شخص ثالث برای شرکتهایی که در زمان تصویب این قانون در رشته بیمه شخص ثالث فعال هستند، منوط به اخذ مجوز از بیمه مرکزی ظرف مدت دوسال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون می باشد.

ماده ۶ - از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال گیرنده منتقل می شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه گذار محسوب می شود.

تبصره - کلیه تخفیفاتی که به واسطه «نداشتن حوادث منجر به خسارت» در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد، متعلق به انتقال دهنده است. انتقال دهنده می تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع، که متعلق به او یا متعلق به همسر، والدین یا اولاد بلاواسطه وی باشد، منتقل کند. آیین نامه اجرائی این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۷- دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می شوند در صورتی که خارج از کشور وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث ناشی از آن به موجب بیمه نامه ای که از طرف بیمه مرکزی معتبر شناخته می شود بیمه نکرده باشند، مکلفند هنگام ورود به مرز ایران وسیله نقلیه خود را در قبال خسارت

های بدنی و مالی که در اثر حوادث نقلیه مزبور یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون بیمه کنند.

همچنین دارندگان وسیله نقلیه ایرانی که از کشور خارج می شوند موظفند هنگام خروج با پرداخت حق بیمه مربوط، وسیله نقلیه خود را در مقابل خساراتی که بر اثر حوادث نقلیه مذکور در خارج از کشور به اشخاص ثالث ایرانی وارد شود حداقل به میزان مندرج در ماده (۸) این قانون و نیز بیمه حوادث راننده موضوع ماده (۳) این قانون بیمه کنند. در غیر این صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی ربط جلوگیری می شود.

بخش دوم - حقوق و تعهدات بیمه گر و بیمه گذار

ماده ۸ - حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام با رعایت تبصره ماده (۹) این قانون است و در هر حال بیمه گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی باشد. همچنین حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت مالی معادل دو و نیم درصد (۲,۵٪) تعهدات بدنی است. بیمه گذار می تواند برای جبران خسارت های مالی بیش از حداقل مزبور، در زمان صدور بیمه نامه یا پس از آن، بیمه تکمیلی تحصیل کند.

تبصره ۱- در صورتی که بیمه گذار در خصوص خسارت های مالی تقاضای پوشش بیمه ای بیش از سقف مندرج در این ماده را داشته باشد بیمه گر مکلف به انعقاد قرارداد بیمه تکمیلی با بیمه گذار می باشد. حق بیمه در این مورد در چهارچوب ضوابط کلی که توسط بیمه مرکزی اعلام می شود، توسط بیمه گر تعیین می گردد.

تبصره ۲- در صورت بروز حادثه، بیمه گر مکلف است کلیه خسارات وارده را مطابق این قانون پرداخت کند و مواد (۱۲) و (۱۳) قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷ در این مورد اعمال نمی شود.

تبصره ۳- خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارت متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود.

تبصره ۴- منظور از خودروی متعارف خودرویی است که قیمت آن کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سقف تعهدات بدنی که در ابتدای هر سال مشخص می شود، باشد.

تبصره ۵ - ارزیابان خسارات موضوع ماده (۳۹) و کارشناسان ارزیاب خسارت شرکتهای بیمه و کارشناسان رسمی دادگستری در هنگام برآورد خسارت، موظفند مطابق این ماده اعلام نظر کنند.

ماده ۹- بیمه گر ملزم به جبران خسارت های وارده به اشخاص ثالث مطابق مقررات این قانون است.

تبصره - در صورتی که در یک حادثه، مسؤول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان دیدگان محکوم شود، بیمه گر مکلف به پرداخت کل خسارات بدنی است، اعم از اینکه مبلغ مازاد بر دیه، کمتر از یک دیه کامل یا بیشتر از آن باشد.

ماده ۱۰- بیمه گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند.

ماده ۱۱- درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند، یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی، باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی شود. همچنین اخذ هرگونه رضایتنامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه ای بلااثر است.

ماده ۱۲- تعهد ریالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه، برابر حاصل ضرب ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون است.

در مواردی که به علت عدم رعایت ظرفیت مجاز وسیله نقلیه، مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان وسیله نقلیه مقصر حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و مابه التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت و مطابق مقررات این قانون از مسبب حادثه باز یافت می شود.

میزان ظرفیت مجاز وسایل نقلیه با توجه به نوع و کاربری آنها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های صنعت، معدن و تجارت و راه و شهرسازی و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

در هر صورت تعداد جنین و اطفال زیر دوسال داخل وسیله نقلیه به ظرفیت مجاز خودرو اضافه می شود.

تبصره - تعهد ربالی بیمه گر در قبال زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه نامه با رعایت تبصره ماده (۹) و ماده (۱۳) این قانون می باشد. در مواردی که مجموع خسارات بدنی زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه بیش از سقف مذکور باشد مبلغ خسارت مورد تعهد بیمه گر به نسبت خسارت وارده به هر یک از زیان دیدگان بین آنان تسهیم می گردد و مابه التفاوت خسارت بدنی هر یک از زیان دیدگان توسط صندوق تأمین خسارت های بدنی وفق مقررات مربوط پرداخت می شود.

ماده ۱۳- بیمه گر یا صندوق حسب مورد مکلفند خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الاداء و با رعایت این قانون و سایر قوانین و مقررات مربوط پرداخت کنند. بیمه گر، در صورتی که خسارت بدنی که به زیان دیده پرداخت نموده بیشتر از تعهد وی مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، می تواند نسبت به مازاد پرداختی، به صندوق رجوع یا در صورت موافقت صندوق در حسابهای فیما بین منظور کند مشروط بر اینکه افزایش مبلغ قابل پرداخت بابت دیه منتسب به تأخیر بیمه گر نباشد.

تبصره - در صورتی که خسارت بدنی زیان دیده بیشتر از تعهد شرکت بیمه مندرج در ماده (۸) این قانون باشد، شرکت بیمه مکلف است، بلافاصله مراتب مذکور و کلیه مستندات پرونده مربوط را از طریق سامانه الکترونیک موضوع ماده (۵۵) به صندوق و بیمه مرکزی اطلاع دهد.

ماده ۱۴- در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه، علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه ساز باشد، بیمه گر مکلف است خسارت زیان دیده را بدون هیچ شرط و اخذ تضمین پرداخت کند و پس از آن می تواند به شرح زیر برای باز یافت به مسبب حادثه مراجعه کند:

الف - در اولین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل دو و نیم درصد (۲,۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

ب - در دومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز راننده مسبب در طول مدت بیمه نامه: معادل پنج درصد (۵٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

پ - در سومین حادثه ناشی از تخلف حادثه ساز و حوادث بعد از آن در طول مدت بیمه نامه: معادل ده درصد (۱۰٪) از خسارت های بدنی و مالی پرداخت شده

تبصره - مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه ساز به موجب ماده (۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ تعیین می شود.

ماده ۱۵- در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف - اثبات عمد مسبب در ایجاد حادثه نزد مراجع قضائی

ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ - در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت - در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد.

تبصره ۱- در صورت وجود اختلاف میان بیمه گر و مسبب حادثه، اثبات موارد فوق در مراجع قضائی صالح صورت خواهد گرفت.

تبصره ۲- در مواردی که طبق این قانون بیمه گر حق رجوع به مسبب حادثه یا قائم مقام قانونی وی را دارد، اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه گر در حکم اسناد لازم الاجراء است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می باشد.

تبصره ۳- در صورتی که حادثه در حین آموزش رانندگی توسط مراکز مجاز یا آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد، خسارت پرداخت شده به وسیله شرکت بیمه از آموزش گیرنده یا آزمون دهنده قابل باز یافت نخواهد بود و حسب مورد آموزش دهنده یا آزمون گیرنده، راننده محسوب می شود.

ماده ۱۶- چنانچه به حکم مرجع قضائی اثبات شود، عواملی نظیر نقص راه، نبودن یا نقص علائم رانندگی و نقص تجهیزات مربوط یا عیب ذاتی وسیله نقلیه، یا ایجاد مانع توسط دستگاههای اجرائی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی دیگر در وقوع حادثه مؤثر بوده است، بیمه گر و صندوق پس از پرداخت خسارت زیان دیده می تواند برای باز یافت به نسبت درجه تقصیر که درصد آن در حکم دادگاه مشخص می شود به مسببان ذی ربط مراجعه کند.

دستگاههای ذی ربط مجازند مسؤولیت کارکنان خویش را در قبال مسؤولیت های موضوع این ماده از محل اعتبارات جاری و تملک دارایی های سرمایه ای تحت اختیار، بیمه کنند.

تبصره - در صورتی که حسب نظریه افسران موضوع ماده (۱۷) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، نقص راه، وسیله نقلیه یا عامل انسانی مؤثر در بروز تصادف اعلام شود در صورت اعتراض ذی نفع، موضوع حسب مورد به کارشناس یا هیأت کارشناسان رسمی مستقل در امور مرتبط با موضوع از قبیل راه و مهندسی ترافیک، مکانیک و تصادفات با نظر دادگاه ارجاع می شود.

ماده ۱۷- موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

الف - خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

ب - خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ - جریمه یا جزای نقدی

ت - اثبات قصد زیان دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی، اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر نوع خدعه و تبانی نزد مراجع قضائی

تبصره - در صورتی که در موارد بندهای (الف) و (ب) اختلافی وجود داشته باشد، معترض می تواند به مرجع قضائی صالح رجوع کند.

ماده ۱۸- آیین نامه مربوط به تعیین سقف حق بیمه موضوع این قانون و نحوه تخفیف، افزایش یا تقسیط آن توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد.
در آیین نامه مذکور باید عوامل زیر مدنظر قرار گیرد:

الف - ویژگی های وسیله نقلیه از قبیل نوع کاربری، سال ساخت و وضعیت ایمنی آن

ب - سوابق رانندگی و بیمه ای دارنده شامل نمرات منفی و تخلفات ثبت شده توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
موضوع قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، خسارت های پرداختی توسط بیمه گر یا صندوق، بابت حوادث منتسب به وی
پ - رایج بودن استفاده از وسیله نقلیه برای اقشار متوسط و ضعیف شامل موتورسیکلت و خودروهای سواری ارزان قیمت

در آیین نامه موضوع این ماده باید ملاحظات اجتماعی در تعیین حق بیمه وسایل نقلیه پر کاربرد اقشار متوسط و ضعیف جامعه مدنظر قرار گیرد.

تبصره ۱- بیمه مرکزی موظف است با همکاری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ترتیبی اتخاذ کند که حداکثر تا پایان برنامه پنجساله ششم توسعه، امکان صدور بیمه نامه شخص ثالث براساس ویژگی های «راننده» فراهم شود. تا آن زمان، سوابق رانندگی و بیمه ای شخصی که پلاک وسیله نقلیه به نام اوست و خسارت های پرداختی بابت حوادث منتسب به وی ملاک عمل است.

تبصره ۲- در آیین نامه موضوع این ماده نحوه تخفیف یا افزایش در حق بیمه به صورت پلکانی و متناظر به تفکیک در مورد خسارات مالی و بدنی تعیین می شود.

تبصره ۳- نرخنامه حق بیمه موضوع این قانون در ابتدای هر سال با رعایت آیین نامه مصوب هیأت وزیران به وسیله بیمه مرکزی محاسبه و پس از تأیید شورای عالی بیمه، ابلاغ می شود. در جلسات شورای عالی بیمه برای تعیین نرخنامه موضوع این تبصره دبیر کل اتحادیه (سندیکای) بیمه گران و دو نفر صاحب نظر به انتخاب اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران با حق رأی شرکت می کنند. همچنین رئیس کل بیمه مرکزی در جلسات مذکور حق رأی دارد.

تبصره ۴- شرکتهای بیمه می توانند تا دو و نیم درصد (۲,۵٪) کمتر از نرخهای مصوب شورای عالی بیمه را ملاک عمل خود قرار دهند. اعمال تخفیف بیشتر از دو و نیم درصد (۲,۵٪) توسط شرکتهای بیمه، منوط به کسب مجوز از بیمه مرکزی است. بیمه مرکزی در اعطای این مجوز باید توانگری مالی شرکت و شرایط عمومی بازار و حفظ رقابت پذیری شرکتهای بیمه را مدنظر قرار دهد. همچنین شرکتهای بیمه می توانند در صورت ارائه خدمات ویژه به مشتریان، با تأیید بیمه مرکزی تا دو و نیم درصد (۲,۵٪) بیش از قیمت های تعیین شده توسط بیمه مرکزی، از بیمه گذار دریافت کنند.

تبصره ۵- شرکتهای بیمه موظفند در چهارچوب ضوابط مربوط نسبت به اعطای تخفیف به رانندگانی که دوره های آموزشی رانندگی ایمن و کم خطر را سپری نموده و موفق به اخذ گواهینامه مربوط شده اند، اقدام کنند. آیین نامه مربوط به این تبصره به پیشنهاد بیمه مرکزی و نیروی انتظامی به تصویب هیأت وزیران می رسد.

ماده ۱۹- هرگونه قصور یا تقصیر بیمه گر یا نماینده وی در صدور بیمه نامه موضوع این قانون رافع مسؤولیت بیمه گر نیست. ماده ۲۰- پوشش های بیمه موضوع این قانون محدود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران است مگر آنکه در بیمه نامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

بخش سوم - حقوق و تعهدات صندوق

ماده ۲۱- به منظور حمایت از زیان دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت های بدنی» جبران می شود.

تبصره ۱- میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است.

تبصره ۲- تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه گر مطابق مقررات این قانون، بر عهده شورای عالی بیمه است.

تبصره ۳- صندوق مکلف است هر شش ماه یکبار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

ماده ۲۲- در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه در رشته بیمه شخص ثالث و ناتوانی آن از پرداخت خسارت به زیان دیدگان، به تشخیص بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه، یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی آن به وسیله دادگاه صالح، صندوق، خسارات بدنی که به موجب صدور بیمه نامه های موضوع این قانون به عهده بیمه گر است را پرداخته، پس از آن به قائم مقامی زیان دیدگان به بیمه گر مراجعه می کند.

تبصره ۱- دادگاه مکلف است نسبت به صدور حکم انتقال اموال و دارایی های بیمه گر مذکور تا میزان مبالغ پرداختی و خسارات وارده به صندوق اقدام کند.

تبصره ۲- در صورت تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه، پرداخت خسارات مالی که برعهده شرکت بیمه مذکور است مشمول ماده (۴۴) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ خواهد بود.

ماده ۲۳- در صورتی که زیان دیده، جز در موارد بیمه اختیاری، تمام یا بخشی از خسارت بدنی وارد شده را از مراجع دیگری مانند سازمان بیمه های اجتماعی یا سازمان بیمه کارمندان دولت یا صندوق های ویژه جبران خسارت دریافت کند، نسبت به همان میزان حق مراجعه به صندوق را ندارد. سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور حق مراجعه به صندوق و استرداد خسارت پرداخت شده به اشخاص ثالث را ندارند و مکلفند اطلاعات مربوط را در اختیار صندوق قرار دهند. در هر حال در صورتی که زیان دیده علاوه بر دریافت خسارت از سازمان ها و صندوق های ویژه مذکور از صندوق نیز خسارتی دریافت کند، صندوق حق استرداد دارد.

ماده ۲۴- منابع مالی صندوق به شرح زیر است:

الف - هشت درصد (۸٪) از حق بیمه اجباری موضوع این قانون بر مبنای نرخنامه مذکور در تبصره (۳) ماده (۱۸) این قانون
ب - مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه اجباری که از دارندگان وسیله نقلیه ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری کنند وصول می شود.

میزان مبلغ مذکور، نحوه وصول، تخفیف، تقسیط و بخشودگی آن به پیشنهاد بیمه مرکزی به تصویب مجمع عمومی صندوق می رسد.

پ - مبالغ بازیافتی از مسببان حوادث، دارندگان وسایل نقلیه، بیمه گران و سایر اشخاصی که صندوق پس از جبران خسارت زیان دیدگان مطابق مقررات این قانون حسب مورد دریافت می کند.

ت - درآمد حاصل از سرمایه گذاری وجوه صندوق با رعایت ماده (۲۷) این قانون

ث - بیست درصد (۲۰٪) از جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور

ج - بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه و تعزیرات حکومتی

چ - جریمه های موضوع بند (پ) ماده (۴)، ماده (۴۴) و بند (ت) ماده (۵۷) این قانون

ح - کمکهای اعطائی از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی

تبصره ۱- مدیر صندوق و هیأت نظارت مکلفند هر سه ماه یکبار گزارش عملکرد بند (پ) را به اعضای مجمع عمومی صندوق اعلام کنند.

تبصره ۲- کلیه درآمدهای منابع موضوع بندهای (ث) و (ج) به محض تحقق به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل کشور واریز می شود و صددرصد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می یابد.

تبصره ۳- در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین کند.

تبصره ۴- درآمدهای صندوق مشمول مالیات به نرخ صفر بوده و از هرگونه عوارض معاف است. همچنین صندوق از پرداخت هزینه های دادرسی و اوراق و حق الاجراء معاف می باشد.

تبصره ۵ - صندوق می تواند با تصویب مجمع عمومی مربوط، حداکثر تا دودرصد (۲٪) از منابع مالی خود را جهت تعمیم امر بیمه، گسترش فرهنگ بیمه، ترغیب رانندگان فاقد بیمه نامه شخص ثالث به اخذ بیمه نامه و پیشگیری از زیانهای ناشی از حوادث رانندگی از طریق عقد قرارداد با وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی ذی ربط از قبیل سازمان صدا و سیما، وزارتخانه های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و ورزش و جوانان اختصاص دهد.

تبصره ۶ - در آرای غیابی برای بازیافت خسارات موضوع بند (پ) این ماده، صندوق می تواند بدون سپردن تأمین یا تضمین موضوع تبصره (۲) ماده (۳۰۶) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ نسبت به تقاضای اجرای احکام غیابی اقدام کند.

تبصره ۷- دولت می تواند در بودجه های سنواتی بخشی از درآمدهای ناشی از فروش حاملهای انرژی را به صندوق اختصاص دهد. در صورت تصویب به تناسب سهم صندوق از محل فروش بیمه نامه موضوع بند (الف) این ماده کاهش پیدا می کند.

ماده ۲۵- صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت شده را باز یافت کند:

الف - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضاء یا بطلان بیمه نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

ب - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه گر و مدیران آن رجوع می کند.

پ - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه گر وی رجوع می کند.

ت - در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد به مسبب حادثه رجوع می کند.

تبصره ۱- در موارد زیر صندوق نمی تواند برای باز یافت به مسبب حادثه رجوع کند:

۱- در موارد جبران کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون)

۲- تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه گر موضوع ماده (۲۲) این قانون

۳- در مواردی که زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند.

۴- در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می کند برای باز پرداخت مابه التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان

تبصره ۲- صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه نامه، سوابق بیمه ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در باز یافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه باز یافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به نحوه اجرای محکومیت های مالی و میزان باز یافت مطابق آیین نامه ای است که بنا به پیشنهاد هیأت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

ماده ۲۶- اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت های خسارت صندوق در حکم اسناد لازم الاجراء است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک قابل مطالبه و وصول می باشد.

ماده ۲۷- صندوق مجاز است موجودی نقدی مازاد خود را نزد بانکهای دولتی سپرده گذاری و یا اوراق بهادار بدون خطر (ریسک) خریداری کند مشروط بر آنکه سرمایه گذاری های مذکور به نحوی برنامه ریزی شود که همواره امکان انجام تعهدات صندوق وجود داشته باشد.

ماده ۲۸- صندوق، نهاد عمومی غیردولتی است و چگونگی اداره آن براساس اساسنامه ای است که با رعایت موارد زیر و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی تهیه می شود و ظرف مهلت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد:

الف - ارکان صندوق عبارتند از: مجمع عمومی، هیأت نظارت، مدیر صندوق و حسابرس

ب - اعضای مجمع عمومی صندوق عبارت از وزرای امور اقتصادی و دارایی به عنوان رئیس مجمع، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دادگستری و صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل کشور (بدون حق رأی) و رئیس کل بیمه مرکزی است. مجمع عمومی صندوق حداقل یک بار در سال تشکیل می شود. مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نیز به تقاضای هر یک از اعضاء به دعوت رئیس مجمع تشکیل می شود.

یکی از نمایندگان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، به پیشنهاد کمیسیون مذکور و تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان عضو ناظر و بدون حق رأی در جلسات مجمع شرکت می کند. مدیر صندوق بدون حق رأی دبیر مجمع عمومی است.

پ - اعضای هیأت نظارت صندوق عبارت از نمایندگان وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و دادگستری، دادستان کل کشور (بدون حق رأی)، بیمه مرکزی و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران ایران است. اعضای هیأت نظارت غیر از مدیر صندوق به صورت غیرموظف خواهند بود؛

تبصره - نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی در هیأت نظارت، مدیر صندوق است که دبیر هیأت نظارت نیز خواهد بود. مدیرعامل ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند بدون حق رأی در جلسات هیأت نظارت شرکت می کند.

ت - مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی و تصویب مجمع عمومی انتخاب و با حکم رئیس مجمع عمومی برای مدت چهار سال منصوب می شود. انتخاب مجدد مدیر صندوق برای یک دوره بلامانع است. مجمع عمومی می تواند نسبت به عزل مدیر صندوق قبل از پایان مدت مذکور اتخاذ تصمیم کند.

ث - مرکز اصلی صندوق، تهران است. در صورت لزوم با تصویب مجمع عمومی می تواند در مراکز استان ها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء کند. اقامه دعوی علیه صندوق در محل استقرار شعب صندوق نیز ممکن است. وظایف و اختیارات مجمع عمومی، هیأت نظارت و مدیر صندوق و نیز نحوه انتخاب و وظایف و اختیارات حسابرس به موجب اساسنامه مصوب هیأت وزیران تعیین می شود.

ماده ۲۹- کلیه اختلافات بین صندوق و شرکتهای بیمه که ممکن است در اجرای این قانون به وجود آید به وسیله هیأتی مرکب از دو نفر حقوقدان آشنا با حقوق بیمه به انتخاب وزیر دادگستری و سه متخصص بیمه به انتخاب بیمه مرکزی، صندوق و اتحادیه (سندیکای) بیمه گران هر کدام یک نفر حل و فصل می شود. ملاک تصمیم گیری، رأی اکثریت اعضای هیأت است و رأی صادرشده لازم الاجراء می باشد. هریک از طرفین می تواند ظرف مدت بیست روز از ابلاغ رأی در مرجع قضائی ذی صلاح اقامه دعوی کند.

ماده ۳۰- اشخاص ثالث زیان دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت های بدنی مراجعه کنند. همچنین مسبب حادثه می تواند با ارائه مدارک لازم جهت تشکیل پرونده پرداخت خسارت به زیان دیده حسب مورد به بیمه گر یا صندوق مراجعه کند.

آیین نامه اجرائی این ماده توسط بیمه مرکزی تهیه می شود و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به تصویب هیأت وزیران می رسد.

بخش چهارم - پرداخت خسارت

ماده ۳۱- بیمه گر و صندوق حسب مورد مکلفند حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک مورد نیاز، خسارت متعلقه را پرداخت کنند.

ماده ۳۲- در حوادث منجر به خسارت بدنی، زیان دیده، اولیای دم یا وراث قانونی موظفند پس از قطعی شدن مبلغ خسارت برای تکمیل مدارک به منظور دریافت خسارت، به بیمه گر مراجعه کنند. بیمه گر مکلف است حداکثر ظرف مدت بیست روز از تاریخ قطعی شدن مبلغ خسارت، مبلغ خسارت را به زیان دیده پرداخت و در صورت عدم مراجعه وی در مهلت مذکور نزد

صندوق تودیع و قبض واریز را به مرجع قضائی مربوط تحویل دهد. در این صورت تعهد بیمه گر و مسبب حادثه، ایفاء شده تلقی می شود. صندوق مکلف است بلافاصله پس از درخواست زیان دیده مبلغ مذکور را عیناً به وی پرداخت نماید.

تبصره ۱- در مواردی که صندوق مطابق مقررات این قانون رأساً مکلف به پرداخت خسارت بدنی است، پس از قطعی شدن مبلغ خسارت چنانچه زیان دیده یا قائم مقام وی، تا بیست روز پس از ابلاغ اظهارنامه رسمی به وی برای دریافت خسارت به صندوق مراجعه نکند، مبلغ مذکور به عنوان امانت نزد صندوق باقی مانده و در زمان مراجعه زیان دیده یا قائم مقام قانونی وی عیناً پرداخت می شود.

تبصره ۲- در مواردی که رأی صادر شده از دادگاه بدوی، صرفاً از جنبه عمومی مورد تجدیدنظرخواهی قرار گرفته باشد، زیان دیده یا وراث قانونی و بیمه گر یا صندوق باید طبق مفاد این ماده اقدام کنند.

تبصره ۳- ملاک قطعی شدن میزان خسارت موضوع این ماده، قطعیت حکم دادگاه است.

ماده ۳۳- چنانچه بیمه گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود.

ماده ۳۴- در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی غیر از فوت، در صورت مطالبه زیان دیده، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی مصوب ۱۳۸۴/۷/۶ (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) و پزشکی قانونی، بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق، حسب مورد مکلفند بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان دیده پرداخت کرده و باقی مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه با رعایت مواد (۳۱) و (۳۲) این قانون بپردازند.

ماده ۳۵- هزینه های معالجه اشخاص ثالث زیان دیده و راننده مسبب حادثه در صورتی که مشمول قانون دیگری نباشد، با لحاظ ماده (۳۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) حسب مورد برعهده بیمه گر مربوط یا صندوق است.

ماده ۳۶- در حوادث منجر به فوت، در صورت مطالبه اولیای دم یا قائم مقام متوفی یا درخواست مسبب حادثه بدون نیاز به رأی مراجع قضائی، پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی، کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی (در خصوص حوادث مربوط به قطارهای شهری و بین شهری) یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بیمه گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق حسب مورد می توانند خسارت بدنی را به ورثه قانونی متوفی یا رعایت ماده (۳۱) این قانون بپردازند. در صورت عدم مطالبه نیز، بیمه گر می تواند بدون نیاز به رأی مرجع قضائی خسارت بدنی را مطابق ماده (۳۲) این قانون به صندوق تودیع کند.

تبصره - چنانچه علی رغم وجود گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و یا کمیسیون جلوگیری از سوانح راه آهن (موضوع تبصره (۲) ماده (۲) قانون دسترسی آزاد به شبکه حمل و نقل ریلی) و نظر نهائی پزشکی قانونی، شرکت بیمه پرداخت خسارات بدنی را موکول به رأی دادگاه کند، پس از صدور رأی مکلف به پرداخت خسارات بدنی به قیمت یوم الاداء بوده و نمی تواند بابت مابه التفاوت خسارت پرداختی و میزان تعهد وی (موضوع ماده (۱۳) این قانون) به صندوق رجوع کند. **ماده ۳۷- بیمه گر، صندوق یا مسبب حادثه به میزان درصد دیه ای که به زیان دیده پرداخت شده یا مطابق ماده (۳۲) این قانون و تبصره آن به صندوق تودیع شده است، بریءالذمه هستند.**

ماده ۳۸- هرگاه پس از اینکه بیمه گر یا صندوق به موجب این قانون خسارتی را پرداخت کند و به موجب حکم قطعی، برای پرداخت تمام یا بخشی از خسارت مسؤول شناخته نشوند، بیمه گر یا صندوق می تواند به همان میزان به محکوم علیه حکم قطعی، رجوع کند.

ماده ۳۹- در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت،

شرکت بیمه موظف است در صورت تقاضای زیان دیده، وسیله نقلیه خسارت دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان دیده باشد تعمیر نموده و هزینه های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه نامه مذکور پرداخت کند.

تبصره - در صورتی که اختلاف از طریق مذکور حل و فصل نشود، موضوع به یک ارزیاب خسارت (دارای مجوز ارزیابی خسارت از بیمه مرکزی) به انتخاب و هزینه زیان دیده ارجاع می شود. هریک از طرفین ظرف مدت بیست روز از تاریخ اعلام نظر کتبی ارزیاب می توانند در مرجع صالح، اقامه دعوی کنند. در صورت عدم طرح دعوی توسط طرفین در مهلت مقرر نظر ارزیاب خسارت، قطعی و لازم الاجراء است. هزینه ارزیابی خسارت براساس تعرفه ای است که در ابتدای هر سال توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و به تصویب شورای عالی بیمه می رسد. بیمه مرکزی موظف است در صدور مجوز ارزیابی خسارت به گونه ای عمل کند که در تمام شهرستان ها متناسب با نیاز آن شهرستان، ارزیاب خسارت وجود داشته باشد.

ماده ۴۰- شرکتهای بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مسبب و زیان دیده در زمان حادثه دارای بیمه نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (۸) این قانون بدون اخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت کنند.

بخش پنجم - تکالیف سایر نهادها و دستگاههای مرتبط

ماده ۴۱- به منظور ساماندهی امور مربوط به حوادث رانندگی، دولت مکلف است «سامانه جامع حوادث رانندگی» را مطابق مقررات این قانون با مشارکت همه دستگاههای ذی ربط ایجاد و نسبت به روزآمد کردن و تحلیل مستمر داده های آن اقدام کند.

نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مراکز فوریت های پزشکی (اورژانس) و بیمارستان ها)، سازمان پزشکی قانونی و جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران موظفند اطلاعات مربوط به سوانح رانندگی را فوراً در سامانه مذکور ثبت کنند.

قوه قضائیه نیز مکلف است اطلاعات مربوط به آرای قضائی راجع به حوادث رانندگی را در سامانه مذکور قرار دهد.

دولت موظف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم الاجراء شدن این قانون، سامانه مزبور را راه اندازی و دسترسی برخط (آنلاین) به آن را برای کلیه واحدهای نیروی انتظامی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، شرکتهای بیمه، صندوق و واحدهای قضائی فراهم کند.

تبصره - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است همزمان با تعویض پلاک وسیله نقلیه، مشخصات مالک جدید را در «سامانه جامع حوادث رانندگی» درج کند. همچنین سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نیز مکلف است اسناد تنظیم شده در خصوص وسایل نقلیه مانند نقل و انتقال، وکالت و رهن را در سامانه مذکور درج کند.

ماده ۴۲- حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلفند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه ارائه کنند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند از طرق مقتضی مانند دوربین های نظارت ترافیکی ضمن شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه نسبت به اعمال جرمه های مربوط اقدام کنند. همچنین مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند در صورت احراز فقدان بیمه نامه، وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه نامه مربوط در محل مطمئنی متوقف کنند. آیین نامه مربوط به نحوه توقیف وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه شخص ثالث ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه های راه و شهرسازی و دادگستری و بیمه مرکزی تهیه می شود و به تصویب هیأت وزیران می رسد.

تبصره - نیروی انتظامی مکلف است هر شش ماه یک بار گزارش اجرای این ماده را به دادستانی کل کشور، بیمه مرکزی و کمیسیون های قضائی و حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ارسال کند.

ماده ۴۳- بیمه مرکزی و شرکتهای بیمه موظفند ترتیبی اتخاذ کنند که با استفاده از ابزار مناسب، امکان شناسایی وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه موضوع این قانون برای پلیس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه فراهم شود.

ماده ۴۴- دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، از سوی شرکتهای و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون شهری و برون شهری ممنوع است. نظارت بر حسن اجرای این ماده برعهده وزارتخانه های کشور و راه و شهرسازی می باشد تا حسب مورد، شرکتهای و مؤسسات متخلف را به مراجع مذکور در تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی معرفی نمایند. در صورت احراز تخلف شرکتهای و مؤسسات مذکور توسط مراجع یادشده، پروانه فعالیت آنان از یک ماه تا یک سال معلق و در صورت تکرار تخلف یادشده برای بار چهارم به صورت دائم لغو می شود.

بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است امکان احراز اصالت بیمه نامه از طریق سامانه های الکترونیکی را به صورت برخط برای وزارتخانه های راه و شهرسازی و کشور فراهم کند. تبصره - اعتراض به هرنوع تصمیمات مراجع دولتی موضوع تبصره (۱) ماده (۳۱) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی در دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود.

ماده ۴۵- ارائه هرگونه خدمات به وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه و رفع توقیف از آنها، توسط راهنمایی و رانندگی، دفاتر اسناد رسمی و سازمان ها و نهادهای مرتبط با امر حمل و نقل از قبیل تعویض پلاک وسیله نقلیه، تنظیم اسناد رسمی معاملات وسایل مذکور ممنوع می باشد. عدم اجرای تکالیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

تبصره - انتقال وسایل نقلیه اسقاطی به مراجع و نهادهای ذی ربط و نیز انتقال وسایل نقلیه مشمول خسارت بیمه بدنه به بیمه گر مربوط، از حکم این ماده مستثنی است.

ماده ۴۶- عقد هرگونه قرارداد حمل و نقل بار یا مسافر از سوی دستگاههای اجرائی و مؤسسات دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و مراکز آموزشی و کلیه اشخاص حقوقی در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مربوطه مجاز می باشد با دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه نامه شخص ثالث معتبر، ممنوع است. عدم اجرای تکلیف فوق، حسب مورد تخلف اداری یا انتظامی محسوب می شود.

ماده ۴۷- نیروی انتظامی مکلف است ظرف مدت یک سال از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، کلیه واحدهای ثابت و سیار راهنمایی و رانندگی و پلیس راه را به ابزار لازم برای استعلام برخط وضعیت بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه، تجهیز و سامانه مورد نیاز را طراحی یا تکمیل کند.

ماده ۴۸- ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت مکلف است از صدور هرگونه کارت سوخت و تخصیص اولیه سهمیه یا ادامه آن برای وسایل نقلیه فاقد بیمه نامه خودداری کند.

تبصره - بیمه مرکزی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلفند اطلاعات مربوط به وسایل نقلیه مذکور را به صورت برخط در اختیار ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت قرار دهند.

ماده ۴۹- مراجع قضائی مکلفند در دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، در صورت وجود بیمه نامه معتبر و مکفی و احراز اصالت آن، صرفاً متناسب با جنبه عمومی جرم برای راننده مسبب حادثه قرار تأمین صادر کنند.

تبصره - عدم اجرای این ماده مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ برای متخلف است. بیمه مرکزی مکلف است با رعایت مفاد ماده (۵۶) این قانون اطلاعات مربوط به بیمه نامه و بیمه گذاران را به نحوی در اختیار قوه قضائیه قرار دهد که امکان دسترسی مراجع قضائی برای بررسی اصالت بیمه نامه وجود داشته باشد.

ماده ۵۰ - کلیه مراجع قانونی رسیدگی به دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی از قبیل دادسرا و دادگاههای رسیدگی کننده به دعاوی ناشی از حوادث موضوع این قانون مکلفند صندوق یا شرکت بیمه مربوط را در مواردی که صندوق یا شرکت بیمه، طرف دعوی نباشند از طرح دعوی علیه مسبب حادثه مطلع نموده، زمان تشکیل جلسات دادگاه

را رسماً به آنان اطلاع دهند. همچنین دادگاه مکلف است پس از صدور رأی، نسخه ای از رأی صادر شده را به آنها ابلاغ کند. در این موارد، بیمه گر یا صندوق می توانند با رعایت مقررات قانون آیین دادرسی مدنی نسبت به خسارات بدنی و مالی در دعوی وارد شده یا پس از صدور رأی قطعی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی اعتراض ثالث کنند.

تبصره ۱- اعتراض ثالث شرکت بیمه یا صندوق مانع از اجرای حکم نیست.

تبصره ۲- عدم اعلام مراتب طرح دعاوی مرتبط با حوادث رانندگی موضوع این قانون حسب مورد به بیمه گر مربوط یا صندوق یا عدم ابلاغ رأی به آنها مستوجب مجازات انتظامی درجه سه موضوع ماده (۱۳) قانون نظارت بر رفتار قضات است.

ماده ۵۱- طرح دعاوی واهی موضوع تبصره ماده (۱۰۹) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) در دعاوی راجع به حوادث رانندگی توسط صندوق یا بیمه گر - اعم از اینکه به صورت ورود ثالث یا اعتراض ثالث یا تجدیدنظرخواهی باشد - در صورتی که منجر به تأخیر در پرداخت خسارت شود، مشمول ماده (۳۳) این قانون می شود.

ماده ۵۲- قوه قضائیه مکلف است تا پایان پانزدهم اسفند هر سال میزان ریالی دیه موضوع ماده (۵۴۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ را تعیین و برای اجراء از ابتدای سال بعد اعلام کند.

ماده ۵۳- ادارات راهنمایی و رانندگی و پلیس راه حسب مورد مکلفند علاوه بر ثبت جزئیات حادثه در «سامانه جامع حوادث رانندگی»، نسخه ای از آن را به زیان دیده و مسبب حادثه تسلیم نموده، رسید دریافت نمایند. عدم اجرای تکلیف مذکور مستوجب مجازات مقرر برای لغو دستور موضوع ماده (۳۸) قانون جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ است.

ماده ۵۴- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به بانکهای اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با موضوعات مورد نیاز از قبیل مشخصات وسایل نقلیه و دارندگان آنها و گواهینامه های صادر شده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سامانه های الکترونیکی به صورت برخط برای مراجع قضائی، صندوق و بیمه مرکزی فراهم شود. اخذ گواهینامه نیازمند کارت پایان خدمت و معافیت سربازی نیست.

ماده ۵۵- شرکتهای بیمه مجاز به فعالیت در رشته بیمه موضوع این قانون مکلفند ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون با استفاده از سامانه های الکترونیکی امکان دسترسی به کلیه اطلاعات مورد نیاز بیمه مرکزی در رابطه با بیمه نامه های صادر شده و خسارت های مربوط به آنها را به صورت برخط برای بیمه مرکزی فراهم کنند.

ماده ۵۶- بیمه مرکزی مکلف است ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ترتیبی اتخاذ کند که امکان دسترسی به اطلاعات مذکور در مواد (۵۴) و (۵۵) این قانون برای کلیه مراجع قضائی، شرکتهای بیمه ذی ربط، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و صندوق فراهم شود.

ماده ۵۷- بیمه مرکزی بر حسن اجرای این قانون نظارت نموده و در صورت قصور یا تخلف هر یک از شرکتهای بیمه در اجرای قانون، اقدامات زیر را به عمل می آورد. اعمال موارد زیر متناسب با نوع قصور یا تخلف و تعدد و تکرار آن به موجب آیین نامه ای است که به پیشنهاد بیمه مرکزی و تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران می رسد:

الف - توبیخ کتبی مدیران شرکت بیمه

ب - سلب صلاحیت حرفه ای مسؤول فنی یا مدیر یا معاون فنی یا مدیرعامل یا هیأت مدیره شرکت بیمه، برای حداکثر پنج سال با تأیید شورای عالی بیمه

پ - سلب صلاحیت افراد موضوع بند(ب) به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

ت - محکوم نمودن شرکت بیمه به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ بیست برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده(۸) این قانون در زمان پرداخت

ث - تعلیق فعالیت شرکت بیمه در یک یا چند رشته بیمه برای حداکثر یک سال با تأیید شورای عالی بیمه

ج - لغو پروانه فعالیت در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم با تأیید شورای عالی بیمه

تبصره ۱- در مورد بندهای (ت)، (ث) و (ج) این ماده، بیمه مرکزی نظر مشورتی و تخصصی اتحادیه بیمه گران ایران را قبل از اتخاذ تصمیم، اخذ می کند. چنانچه اتحادیه طرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت نامه بیمه مرکزی، کتباً نظر خود را اعلام نکند بیمه مرکزی رأساً اقدام می کند.

تبصره ۲- در صورت سلب صلاحیت اکثریت هیأت مدیره شرکت بیمه حسب اعلام بیمه مرکزی، بیمه مرکزی با تأیید شورای عالی بیمه می تواند برای اداره امور شرکت فرد واجد شرایطی را به عنوان سرپرست شرکت بیمه تا زمان تعیین و تأیید اعضای جدید هیأت مدیره منصوب کند. صاحبان سهام شرکت بیمه (مجمع) موظفند حداکثر ظرف مدت یک ماه اعضای هیأت مدیره جدید خود را معرفی کنند تا پس از تأیید توسط بیمه مرکزی جایگزین اعضای قبلی سلب صلاحیت شده شوند و براساس قانون تجارت شرکت را اداره کنند. سرپرست جدید منصوب تا زمان جایگزینی اعضای هیأت مدیره جدید دارای اختیارات هیأت مدیره شرکت است و مسئولیت کلیه اقدامات او برعهده بیمه مرکزی است. حقوق و مزایای سرپرست منصوب تا تعیین مدیرعامل که حداکثر سه ماه می باشد توسط بیمه مرکزی پیشنهاد و پس از تصویب مجمع شرکت به سرپرست منصوب پرداخت می شود.

تبصره ۳- جریمه موضوع بند (ت) این ماده به حساب اختصاصی صندوق نزد خزانه داری کل واریز و با پیش بینی در بودجه های سنواتی به صندوق مذکور تخصیص داده می شود. عدم پرداخت جریمه از سوی شرکت بیمه در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی است.

تبصره ۴- نحوه وصول، تخفیف و یا بخشودگی جریمه موضوع بند (ت) این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف مدت شش ماه از تاریخ ابلاغ این قانون به پیشنهاد بیمه مرکزی پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می رسد.

تبصره ۵- رسیدگی به اعتراض شرکتهای بیمه در خصوص تصمیم بیمه مرکزی یا شورای عالی بیمه مبنی بر اعمال مجازات های مندرج در این ماده (به جز بند «الف») برعهده کمیسیونی متشکل از یک نفر قاضی دادگستری با انتخاب رئیس قوه قضائیه (به عنوان رئیس کمیسیون)، نماینده بیمه مرکزی و یک نفر نماینده اتحادیه (سندیکای) بیمه گران می باشد. تصمیم گیری کمیسیون مذکور با اکثریت آرای اعضاء، لازم الاجراء و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ حسب مورد قابل اعتراض در مرجع قضائی ذی صلاح است. دبیرخانه این کمیسیون در بیمه مرکزی مستقر می باشد.

ماده ۵۸ - بیمه مرکزی مکلف است مطابق مقررات مربوط بر اجرای تعهدات شرکتهای بیمه و نحوه محاسبه ذخایر آنها در رشته بیمه شخص ثالث نظارت نموده و از کفایت ذخایر مذکور جهت ایفای تعهدات آتی شرکتهای بیمه اطمینان حاصل کند. شرکتهای بیمه مکلفند ذخایر تأیید شده از سوی بیمه مرکزی را در دفاتر و صورتهای مالی خود، مطابق دستورالعمل بیمه مرکزی ثبت کنند.

بخش ششم - مقررات کیفری

ماده ۵۹ - عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق از سوی بیمه گر یا نمایندگی آنان، مصرف درآمدهای صندوق در غیر از موارد مصرح قانونی و همچنین عدم اجرای تکالیف مقرر در مواد (۴۵) و (۴۶) و (۴۸) این قانون علاوه بر تخلف اداری یا انتظامی در حکم دخل و تصرف در وجوه عمومی است.

ماده ۶۰ - فروش هر نوع بیمه نامه یا مبادرت به عملیات بیمه گری یا نمایندگی بیمه بدون مجوز قانونی، در حکم کلاهبرداری است و مرتکب علاوه بر مجازات کلاهبرداری، ضامن جبران خسارت وارده حسب مورد به زیان دیده یا صندوق به نرخ روز جبران می باشد.

ماده ۶۱ - هرکس با انجام اعمال متقلبانه مانند صحنه سازی صوری تصادف، تعویض خودرو یا ایجاد خسارت عمدی، وجوهی را بابت خسارت دریافت کند، به حبس تعزیری درجه شش و جزای نقدی معادل دو برابر وجوه دریافتی محکوم می شود. شروع به جرم مندرج در این ماده علاوه بر مجازات مقرر برای شروع به جرم در قانون مجازات اسلامی، مستوجب جزای نقدی درجه پنج می باشد.

ماده ۶۲ - هرگاه شخصی برخلاف واقع خود را به عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به مجازات حبس درجه هفت محکوم می شود؛ راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد به مجازات مذکور محکوم می شود.

ماده ۶۳ - در صورتی که مسؤولیت مسبب حادثه مشمول تعهدات بیمه گر باشد، جز در موارد مصرح در ماده (۱۵) این قانون، مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت های مالی در خصوص وی قابل اجرا نیست.

بخش هفتم - مقررات نهائی

ماده ۶۴ - کلیه آیین نامه های اجرائی این قانون جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است، ظرف مدت یک سال از تاریخ ابلاغ آن توسط بیمه مرکزی و شورای عالی بیمه تهیه می شود و پس از تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران می رسد. مادامی که آیین نامه های مذکور، تهیه و تصویب نشده است، آیین نامه های اجرائی موجود، در حدودی که مغایر این قانون نباشد معتبر است.

ماده ۶۵ - بیمه نامه های صادره پیش از لازم الاجراء شدن این قانون مشمول قانون زمان صدور خود هستند لکن در هر حال احکام بندهای (الف) و (ب) ماده (۴)، مواد (۱۱)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۵)، (۳۰) و ماده (۳۲) و تبصره های آن، مواد (۳۶)، (۳۷)، (۳۸)، (۴۹)، (۵۰) و (۶۰) در مورد بیمه نامه هایی که هنوز خسارات تحت پوشش آنها پرداخت نشده نیز لازم الرعایه است. ماده ۶۶ - از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، «قانون اصلاح قانون بیمه مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷» نسخ می شود. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود.

قانون فوق مشتمل بر شصت و شش ماده و پنجاه و پنج تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیستم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و نود و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.

سوالات قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسائل نقلیه

۱- شخص «الف» که دارای بیمه نامه ثالث است، در حین رانندگی، با شخص «ب» (عابر) تصادف می کند و عابر مصدوم می شود. به فرض اینکه راننده اتومبیل هیچ گونه تقصیری مرتکب نشده باشد و خسارت صد درصد ناشی از تقصیر عابر، به دلیل عدم رعایت مقررات مربوط به عبور از راهها و محل های مخصوص باشد. در خصوص جبران خسارت عابر از طریق بیمه شخص ثالث، کدام مورد صحیح است؟ (وکالت ۹۶)

۱) بیمه گر تنها در صورتی مکلف به جبران خسارت است که دارنده اتومبیل بابت بیمه حوادث، حق بیمه جداگانه ای پرداخته باشد.

۲) بیمه گر مکلف است در حدود تعهدات خود، تمام خسارات زیان دیده (عابر) را جبران کند.

۳) به دلیل تقصیر زیان دیده (عابر)، وی از جبران بخشی از خسارت محروم می شود.

۴) چون خسارت، ناشی از اقدام خود زیان دیده (عابر) است و دارنده اتومبیل مسئولیت مدنی ندارد، بیمه گر هم تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۲- صغیری در حادثه رانندگی، باعث صدمه بدنی شخص ثالث شده است. جبران خسارت زیان دیده به کدام صورت است؟ (ارشد سراسری ۹۵)

۱) در صورت بیمه بودن وسیله نقلیه، خسارت توسط شرکت بیمه و در غیر این صورت، توسط صندوق تأمین خسارات بدنی پرداخت می شود.

۲) به دلیل اینکه راننده فاقد گواهینامه است، از شمول بیمه نامه خارج است و زیان دیده باید به دارنده وسیله نقلیه موتوری رجوع کند.

۳) صرف از اینکه وسیله نقلیه بیمه باشد یا خیر، خسارت تماماً توسط صندوق خسارات بدنی پرداخت و سپس نسبت به کل یا جزء آن، به مقصر حادثه رجوع می شود.

۴) اگر وسیله نقلیه بیمه باشد، خسارت توسط شرکت بیمه و اگر بیمه نباشد، توسط عاقله فرد مقصر پرداخت می شود.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. مواد ۱۵، ۲۱، ۲۵ قانون بیمه اجباری

۳- در حوادث رانندگی، چنانچه زیان دیده زن باشد و فوت شود، با فرض معلوم بودن بیمه گر و عدم شکستگی او، کدام مورد در خصوص مسئولیت بیمه گر و صندوق تأمین خسارات بدنی، صحیح است؟ (وکالت ۹۴)

۱) حتی اگر وسیله نقلیه دارای بیمه شخص ثالث باشد، پرداخت معادل دیه کامل مرد، به عهده صندوق است.

۲) پرداخت معادل یک دیه کامل مرد برعهده بیمه گر است، صندوق در صورت بیمه نبودن وسیله نقلیه، دیه پرداخت می کند.

۳) پرداخت معادل دیه کامل مرد به عهده بیمه گر است و بیمه گر نسبت به نصف آن، حق رجوع به صندوق دارد.

۴) پرداخت نصف دیه کامل مرد به عهده بیمه گر و نصف دیگر آن، به عهده صندوق است.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۴- در مورد شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت های بیمه کدام گزینه صحیح است؟ (وکالت ۹۲)

۱) فقط بیمه های خصوصی مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

۲) بیمه ها مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

۳) بیمه ها مشمول مقررات ورشکستگی نیستند.

۴) فقط بیمه های دولتی که خصوصی سازی شده اند از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.

✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است.

۵- آقای «الف» با وجود اطلاع از علائم راهنمایی و رانندگی منصوب شده در سواره رو، شتابان و با کمال سهل انگاری از غیر محل خط کشی شده مخصوص عابران عبور می کند. آقای «ب» که در آن مسیر در حال رانندگی با خودروی سواری است و بیمه نامه شخص ثالث دارد، با رعایت کامل قوانین و مقررات و بدون این که هیچ گونه تقصیری مرتکب شده باشد و حتی قادر به جلوگیری از تصادف باشد با آقای «الف» برخورد می کند و در نتیجه آقای «الف» مصدوم می شود. در این حادثه چه شخصی مسئول پرداخت خسارات بدونی وارد شده به آقای «الف» است؟ (وکالت ۹۱)

۱) بیمه گر مسئولیت، در حدود تعهدات موضوع بیمه نامه مکلف به جبران خسارت آقای «الف» است.
۲) با توجه به تقصیر آقای «الف» بیمه اگر مسئولیت تنها مکلف به پرداخت پنجاه درصد از خسارت وارد شده به آقای «الف» است و مابقی با توجه به ماده ۲۶۵ قانون مجازات اسلامی به دلیل تقصیر خود وی قابل جبران نیست.
۳) با توجه به تقصیر آقای «الف» موضوع مشمول قاعده اقدام خواهد بود و هیچ شخص در مقابل او مسئول جبران خسارت نیست.

۴) با عنایت به این که آقای «ب» مرتکب هیچ تقصیری نشده است، در نتیجه بیمه گر وی نیز در این زمینه تکلیفی به پرداخت خسارت ندارد و خسارات بدنی آقای «الف» از محل صندوق تأمین خسارت های بدنی موضوع بیمه اجباری سال ۱۳۸۷ (در حدود تعهدات آن صندوق) جبران خواهد شد.

✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. با توجه به قانون بیمه اجباری مصوب ۱۳۹۵ گزینه ۱ صحیح می باشد.

۶- اتومبیلی با سرعت غیرمجاز در حال حرکت است. شخصی عمداً خود را در مسیر اتومبیل انداخته و مصدوم می شود. جبران خسارت برعهده چه کسی است؟ (وکالت ۸۸)

۱) برعهده خود مصدوم است و راننده مسئولیتی ندارد.
۲) مسئولیت بین دو نفر به تساوی تقسیم می شود.
۳) مسئولیت به نسبت میزان دخالت هر یک از طرفین بین آنها تقسیم می شود.
۴) راننده مسئول است چون سرعت غیرمجاز داشته است.
✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. طبق بند ۱ ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵.

۷- در حوادث رانندگی وسایل نقلیه موتوری زمینی، بیمه گر یا صندوق تأمین خسارت های بدنی، مکلفند خسارت بدنی وارد به شخص را به چه قیمتی پرداختی کنند؟

۱) قیمت یوم الاداء ۲) قیمت روز صدور حکم ۳) قیمت روز ورود صدمه ۴) قیمت توافقی
✓ پاسخ: گزینه ۱ صحیح است. ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری.

۸- درج کدام یک از شرایط زیر در بیمه نامه وسایل نقلیه، صحیح است؟
۱) شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد بیمه

۲) شرطی که به موجب آن برای زیان دیده مزایایی بیشتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.
۳) شرطی که به موجب آن برای دیده مزایایی بیشتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.
۴) شرطی که به موجب آن برای بیمه گذار، مزایای کمتر از مزایای مندرج در قانون بیمه اجباری مصوب ۹۵ مقرر می کند.
✓ پاسخ: گزینه ۲ صحیح است. ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری.

۹- کدام مورد از شمول بیمه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی خارج است؟

۱) خسارت بدنی وارده به راننده مسبب حادثه ۲) خسارت وارده به وسیله نقلیه مشخص ثالث
۳) خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن ۴) هیچ کدام
✓ پاسخ: گزینه ۳ صحیح است. ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

۱۰- اگر به واسطه تصادف وسیله نقلیه موتوری خسارتی وارد شود، زیان‌دیده به کدام روش می‌تواند جبران

خسارت را بخواهد؟

(۱) رجوع به راننده وسیله نقلیه

(۲) رجوع به متصرف وسیله نقلیه

(۳) رجوع به دارنده وسیله نقلیه

(۴) همه موارد

☒ پاسخ: گزینه ۴ صحیح است.

ماده ۲ قانون بیمه اجباری و تبصره آن

قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶

مصوب ۱۳۵۶/۵/۲

فصل اول: کلیات

ماده ۱ - هر محلی که برای سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت یا به منظور دیگری اجاره داده شده یا بشود در صورتی که تصرف متصرف بر حسب تراضی با موجر یا نماینده قانونی او به عنوان اجاره یا صلح منافع و یا هر عنوان دیگری به منظور اجاره باشد اعم از اینکه نسبت به مورد اجاره سند رسمی یا عادی تنظیم شده یا نشده باشد، مشمول مقررات این قانون است.

نکته ۱:

قرارداد اجاره محل برای کسب، پیشه یا تجارت که قبل از سال ۵۶ منعقد گشته است نیز تابع قانون سال ۵۶ می باشد. (رای وحدت رویه شماره ۹۵ مورخ ۱۳۵۶/۷/۱۰)

نکته ۲:

شغل وکالت شغل تجاری محسوب نمی شود، از اینرو دفتر وکالت دادگستری از مصادیق محل کسب و پیشه و تجارت و مشمول قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ قرار نمی گیرد.

ماده ۲ - موارد زیر مشمول مقررات این قانون نمی باشد :

۱. تصرف ناشی از معاملات با حق استرداد یا معاملات رهنی
۲. اراضی مزروعی محصور و غیر محصور و توابع آنها و باغهایی که منظور اصلی از اجاره بهره برداری از محصول آنها باشد
۳. ساختمانها و محلهایی که به منظور سکونت عرفاً به طور فصلی برای مدتی که از ششماه تجاوز نکند اجاره داده می شود

۴. کلیه واحدهای مسکونی واقع در محدوده خدماتی شهرها و در شهرکها که گواهی خاتمه ساختمانی آنها از تاریخ لازم الاجراء شدن قانون معاملات زمین مصوب سال ۱۳۵۴ صادر شده می شود .

۵. خانه های سازمانی و سایر محلهای مسکونی که از طرف وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت یا اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی به مناسبت شغل در اختیار و استفاده کارکنان آنها قرار می گیرد . در این مورد رابطه متصرف با سازمان یا اشخاص مربوط تابع قوانین و مقررات مخصوص بخود یا قرارداد فی مابین می باشد . هرگاه متصرف خانه یا محل سازمانی که به موجب مقررات یا قرارداد مکلف به تخلیه محل سکونت باشد از تخلیه خودداری کند بر حسب مورد از طرف دادستان یا رئیس دادگاه بخش مستقل به اخطار می شود که ظرف یکماه محل را تخلیه نماید در صورت امتناع به دستور همان مقام محل مزبور تخلیه شده و تحویل سازمان یا مؤسسه یا اشخاص مربوط داده می شود

۶. واحدهای مسکونی که پس از اجرای این قانون به اجاره واگذار گردد.

فصل دوم: میزان اجاره بها و ترتیب پرداخت آن

ماده ۳ - در مواردی که اجاره نامه تنظیم شده باشد میزان اجاره بها همان است که در اجاره نامه قید شده و هرگاه اجاره نامه تنظیم نشده باشد به میزانی است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است و در صورتی که میزان آن معلوم نشود با رعایت مقررات این قانون از طرف دادگاه میزان اجاره بها به نرخ عادلانه روز تعیین می شود .

ماده ۴ - موجر یا مستأجر می تواند به استناد ترقی یا تنزل هزینه زندگی درخواست تجدیدنظر نسبت به میزان اجاره بها را بنماید، مشروط به اینکه مدت اجاره منقضی شده و از تاریخ استفاده مستأجر از عین مستأجره یا از تاریخ مقرر در حکم قطعی که بر تعیین یا تعدیل اجاره بها صادر شده سه سال تمام گذشته باشد، دادگاه با جلب نظر کارشناس اجاره بها را به نرخ عادلانه روز تعدیل خواهد کرد حکم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۵ - موجر می تواند مابه التفاوت اجاره بها را ضمن دادخواست تعدیل نیز مطالبه نماید . در این صورت دادگاه ضمن صدور حکم راجع به تعدیل، مستأجر را به پرداخت مابه التفاوت از تاریخ تقدیم دادخواست تا روز صدور حکم، محکوم می نماید. دایره اجرا مکلف است خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ قطعیت تا تاریخ اجرای حکم را به قرارداده درصد در سال احتساب و از مستأجر وصول و به موجر بپردازد مستأجر نیز می تواند ضمن تقاضای تعدیل اجاره بها مابه التفاوت پرداخت شده را به انضمام خسارت تأخیر تأدیه به شرح فوق درخواست کند.

تبصره - مقررات این ماده در مواردی که دادگاه حکم به تعیین اجاره بها صادر می نماید نیز جاری خواهد بود.

ماده ۶ - مستأجر مکلف است در موعد معین در اجاره نامه اجرت المسمی و پس از انقضاء مدت اجاره اجرت المثل را به میزان اجرت المسمی آخر همراه اجاری ظرف ده روز به موجر یا نماینده قانونی او بپردازد و هرگاه اجاره نامه ای در بین نباشد اجاره بها را به میزانی که بین طرفین مقرر و یا عملی شده و در صورتیکه میزان آن معلوم نباشد به عنوان اجرت المثل مبلغی که متناسب با اجاره املاک مشابه تشخیص می دهد برای همراه تا دهم ماه بعد به موجر یا نماینده قانونی او پرداخت یا در صندوق ثبت و یا بانکی که از طرف سازمان ثبت تعیین می شود سپرده و قبض رسید را اگر اجاره نامه رسمی است به دفتر خانه تنظیم کننده سند هرگاه اجاره نامه عادی بوده یا اجاره نامه ای در بین نباشد قبض رسید را با تعیین محل اقامت موجر به یکی از دفاتر رسمی نزدیک ملک تسلیم و رسید دریافت دارد . دفتر خانه باید منتهی ظرف ده روز بوسیله اداره ثبت محل مراتب را به موجر یا نماینده قانونی او اخطار کند که برای دریافت وجه تودیع شده با دفتر خانه مزبور مراجعه نماید.

فصل سوم: در تنظیم اجاره نامه

ماده ۷ - در مواردی که بین موجر و کسی که ملک را به عنوان مستأجر در تصرف دارد اجاره نامه تنظیم نشده یا اگر تنظیم شده مدت آن منقضی گشته طرفین راجع به تنظیم اجاره نامه با تعیین اجاره بها و شرایط آن اختلاف داشته باشند هریک می تواند برای تعیین اجاره بها (در مواردی که اجاره نامه در بین نباشد) و تنظیم اجاره نامه به دادگاه مراجعه کند. دادگاه میزان اجاره بها را از تاریخ تقدیم دادخواست تعیین می کند، ولی این امر مانع صدور حکم نسبت به اجرت المثل زمان قبل از تقدیم دادخواست و خسارت تأخیر تأدیه آن نخواهد بود .

تبصره ۱ - هرگاه از طرف موجر تقاضای تخلیه عین مستأجره شده باشد رسیدگی به درخواست تنظیم اجاره نامه از طرف مستأجر متوقف بر خاتمه دادرسی در موضوع تخلیه خواهد بود این حکم در موردی که از طرف مالک درخواست خلع ید از ملک شده باشد نیز جاری است .

ماده ۸ - دادگاه شرایط اجاره نامه جدید را طبق شرایط مرسوم و متعارف در اجاره نامه ها و شرایط مندرج در اجاره نامه سابق (در صورتی که قبلاً اجاره نامه تنظیم شده باشد) با رعایت مقررات این قانون تعیین خواهد کرد .

ماده ۹ - در تمام مدتی که دادرسی در جریان است مستأجر باید طبق ماده ۶ این قانون و شرایط قبلی مال الاجاره را بپردازد و از تاریخ ابلاغ حکم قطعی طرفین مکلفند ظرف یک ماه به ترتیب مقرر در حکم، اجاره نامه تنظیم کنند .

هرگاه در این مدت اجاره نامه تنظیم نشود به تقاضای یکی از طرفین دادگاه رونوشت حکم را جهت تنظیم اجاره نامه به دفتر اسناد رسمی ابلاغ و به طرفین اخطار می کند که در روز و ساعت معین برای امضای اجاره نامه در دفتر خانه حاضر شوند. هرگاه موجر حاضر به امضای اجاره نامه نشود نماینده دادگاه اجاره نامه را به مدت یک سال از طرف او امضا خواهد کرد و اگر مستأجر تا ۱۵ روز از تاریخ تعیین شده حاضر به امضا نشود دادگاه در صورتی که عذر مستأجر را موجه نداند به تقاضای موجر حکم به تخلیه عین مستأجره صادر می کند و این حکم قطعی است .

ماده ۱۰ - مستأجر نمی تواند منافع مورد اجاره را کلاً یا جزئاً یا به نحو اشاعه به غیر انتقال دهد یا واگذار نماید مگر اینکه کتباً این اختیار به او داده شده باشد . هرگاه مستأجر تمام یا قسمتی از مورد اجاره را به غیر اجاره دهد مالک می تواند در صورت انقضای مدت یا فسخ اجاره درخواست تنظیم اجاره نامه با هر یک از مستأجرین را بنماید .

در صورتی که مستأجر حق انتقال مورد اجاره را به غیر داشته باشد هریک از مستأجرین نیز می تواند در صورت فسخ و یا انقضای مدت اجاره اصلی درخواست تنظیم اجاره نامه را با مالک یا نماینده قانونی او بنمایند.

❖ نکته ۱:

ماده ۱۰ قانون روابط موجر و مستأجر اصل بر این است که مستأجر نمی تواند عین مورد اجاره را به غیر انتقال دهد مگر اینکه کتبا این اختیار را داشته باشد بر خلاف ماده ۴۷۴ ق.م که اصل بر انتقال پذیری مورد اجاره است مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد.

❖ نکته ۲:

در صورتیکه مستأجر بدون داشتن حق انتقال به غیر آن را انتقال دهد موجر حق فسخ دارد (بند ۱ ماده ۱۴ ق.ر.م.م ۵۶)

ماده ۱۱ - دفا تر اسناد رسمی مکلفند علاوه بر نکاتی که به موجب قوانین و مقررات باید رعایت شود نکات زیر را در اجاره نامه تصریح بنمایند

۱. شغل موجر و مستأجر و اقامتگاه موجر بطور کامل و مشخص.
۲. نشانی کامل مورد اجاره و قید اینکه از لحاظ رابطه اجاره این محل اقامتگاه قانونی مستأجر می باشد مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری تراضی نموده باشند.
۳. عین مستأجره در تصرف کدام یک از طرفین می باشد و در صورتی که در تصرف مستأجر نیست تحویل آن در چه مدت و با چه شرایطی صورت خواهد گرفت.
۴. مهلت مستأجر برای پرداخت اجاره بها منتهی ده روز از تاریخ سررسید هر قسط خواهد بود، مگر اینکه طرفین به ترتیب دیگری زائد بر این مدت توافق کرده باشند که در این صورت ترتیب مذکور باید در سند قید گردد.
۵. اجاره به منظور سکنی یا کسب یا پیشه یا تجارت با تعیین نوع کسب و پیشه و تجارت و هرگاه به منظور دیگری باشد قید آن به طور صریح.
۶. مستأجر حق انتقال به غیر را کلاً یا جزئاً یا به نحو اشاعه دارد یا خیر.
۷. تعهد مستأجر به پرداخت اجرت المثل پس از انقضای مدت و یا فسخ اجاره تا موقع تجدید اجاره یا تخلیه ملک به میزان اجرت المسمی.

فصل چهارم: موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره

ماده ۱۲ - در موارد زیر مستأجر می تواند صدور حکم به فسخ اجاره را از دادگاه درخواست کند:

۱. در صورتی که عین مستأجره با اوصافی که در اجاره نامه قید شده منطبق نباشد. (با رعایت ماده ۴۱۵ قانون مدنی)
۲. اگر در اثنای مدت اجاره عیبی در عین مستأجره حادث شود که آن را از قابلیت انتفاع خارج نموده و رفع عیب مقدور نباشد.
۳. در مواردی که مطابق شرایط اجاره حق فسخ مستأجر تحقق یابد.
۴. در صورت فوت مستأجر در اثناء مدت اجاره و درخواست فسخ اجاره از طرف کلیه ورثه.
۵. هرگاه مورد اجاره کلاً یا جزئاً در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد و یا برای بهداشت و سلامت مضر بوده و باید خراب شود.

❖ **نکته ۱:** ماده ۱۲ ق.ر.م.م سال ۵۶ موارد فسخ توسط مستأجر را ذکر می کند در حالی که ماده ۱۴ ق.ر.م.م سال ۵۶ گویای مواردی است که موجر حق فسخ دارد.

❖ **نکته ۲:** بند ۲ ماده ۱۲ ق.ر.م.م سال ۵۶ به مستأجر حق فسخ می دهد در حالی که طبق ماده ۴۸۱ ق.م مدنی عقد اجاره باطل می شود.

❖ **نکته ۳:** طبق ماده ۴۹۷ ق.م، عقد اجاره اصولاً به واسطه فوت مستأجر یا موجر باطل نمی گردد در حالی که بند ۵ ماده ۱۴ ق.ر.م.م ۵۶ در صورت فوت مستأجر در اثنا مدت به وراث او حق فسخ می دهد البته اگر این درخواست از طرف کلیه ورثه باشد.

ماده ۱۳ - هرگاه مستأجر به علت انقضای مدت اجاره یا درموردی که به تقاضای او حکم فسخ اجاره صادر شده مورد اجاره راتخلیه کند و موجر از تحویل گرفتن آن امتناع کند مستأجر مکلف است بوسیله اظهارنامه از موجر یا نماینده قانونی او تقاضا کند که برای تحویل مورد اجاره حاضر شود. در صورتی که موجر ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه حاضر نگردد مستأجر باید به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و تخلیه کامل مورد اجاره را تأمین دلیل نماید و کلید آن را به دفتر دادگاه تسلیم کند. از این تاریخ رابطه استیجاری قطع می شود و دفتر دادگاه ظرف ۲۴ ساعت به موجر یا نماینده قانونی او اخطار می کند که برای تحویل گرفتن مورد اجاره و دریافت کلید حاضر شود. تا زمانی که مستأجر به ترتیب فوق عمل نکرده باشد تعهدات او به موجب مقررات این قانون و شرایط اجاره نامه برقرار است.

ماده ۱۴ - در موارد زیر **موجر** می تواند حسب مورد صدور حکم فسخ اجاره یا تخلیه را از دادگاه درخواست کند دادگاه ضمن حکم فسخ اجاره دستور تخلیه مورد اجاره را صادر می نماید و این حکم علیه مستأجر یا متصرف اجرا و محل تخلیه خواهد شد.

❖ **نکته ۱:** طبق بند ۳ ماده ۱۴ ق.ر.م.م حق فسخ، مشروط بر این است که خریدار یا بستگان درجه یک او بخواهند در آن ملک سکونت نمایند در حالی که طبق ماده ۴۹۸ ق.م چنین شرطی وجود ندارد.

❖ **نکته ۲:** بند ۶ ماده ۱۴ ق.ر.م.م اعم از این است که منع مستأجر ممکن باشد یا نباشد در حالی که طبق ماده ۴۹۲ ق.م اگر منع مستأجر ممکن نباشد موجر حق فسخ دارد.

❖ **نکته ۳:** طبق بند ۷ ماده ۱۴ ق.ر.م.م تغییر شغل ممکن نیست، مگر اینکه شغل جدید، عرفاً مشابه شغل پیشین باشد در حالی که طبق ماده ۴۹۱ ق.م می تواند استفاده منفعتی کند که از حیث ضرر مساوی یا کمتر از منفعت معینه باشد.

❖ **نکته ۴:** بند ۸ ماده ۱۴ ق.ر.م.م اعم از این است که موجر قادر بر منع مستأجر باشد یا نباشد اما طبق ماده ۴۸۷ ق.م موجر چنانچه قادر بر منع مستأجر نباشد حق فسخ دارد.

❖ **نکته ۵:** اگر شرکتي مستأجر باشد و منافع را بدون داشتن حق انتقال به غیر به مدیران یا یکی از سهامداران منتقل کند این انتقال، انتقال به غیر است و به موجر حق درخواست فسخ و یا تخلیه را طبق بند ۲ ماده ۱۴ می دهد زیرا شرکت تجاری شخصیت حقوقی مستقل از مدیران و سهامداران دارد. (رای وحدت رویه به شماره ۴۲ مورخ ۱۳۵۱/۸/۲)

۱. در موردی که مستأجر مسکن بدون داشتن حق انتقال به غیر در اجاره نامه و یا موردی که اجاره نامه ای در بین نباشد مورد اجاره را کلاً یا جزئاً به هر صورتی که باشد به غیر واگذار نموده یا عملاً از طریق وکالت یا نمایندگی و غیره در اختیار و استفاده دیگری جز اشخاص تحت الکفاله قانونی خود قرار داده باشد.

۲. در موردی که عین مستأجره به منظور کسب یا پیشه و یا تجارت خود مستأجره اجاره داده شده و مستأجر آن را به عناوینی از قبیل وکالت یا نمایندگی و غیره عملاً به غیر واگذار کند بدون اینکه طبق ماده ۱۹ این قانون با مستأجر لاحق اجاره نامه تنظیم شده باشد.

۳. در صورتی که در اجاره نامه محل سکونی حق فسخ اجاره هنگام انتقال قطعی شرط شده باشد مشروط به اینکه خریدار بخواهد شخصاً در مورد اجاره سکونت نماید و یا آن را برای سکونت اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود

تخصیص دهد. در این صورت اگر خریدار تا سه ماه از تاریخ انتقال ملک برای تخلیه مراجعه ننماید درخواست تخلیه به این علت تا انقضای مدت اجاره پذیرفته نمی شود.

۴. در صورتی که مورد اجاره محل سکنی بوده و مالک پس از انقضای مدت اجاره احتیاج به مورد اجاره برای سکونت خود یا اشخاص مذکور در بند فوق داشته باشد.

۵. هرگاه مورد اجاره محل سکنی در معرض خرابی بوده و قابل تعمیر نباشد.

۶. در صورتی که از مورد اجاره محل سکنی بر خلاف منظوری که در اجاره نامه قید شده استفاده گردد.

۷ در مورد محل کسب و پیشه و تجارت هرگاه مورد اجاره برای شغل معینی اجاره داده شده و مستأجر بدون رضای موجر شغل خود را تغییر دهد مگر اینکه شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد.

۸. در صورتی که مستأجر در مورد اجاره تعدی یا تفریط کرده باشد.

۹. در صورتی که مستأجر در مهلت مقرر در ماده ۶ این قانون از پرداخت مال الاجاره یا اجرت المثل خودداری نموده و با ابلاغ اخطار دفتر خانه تنظیم کننده سند اجاره یا اظهارنامه (در موردی که اجاره نامه عادی بوده یا اجاره نامه ای در بین نباشد) ظرف ده روز قسط یا اقساط عقب افتاده را نپردازد. در این مورد اگر اجاره نامه رسمی باشد موجر می تواند از دفتر خانه یا اجرای ثبت صدور اجرائیه بر تخلیه و وصول اجاره بها را درخواست نماید.

هرگاه پس از صدور اجرائیه مستأجر اجاره بهای عقب افتاده را تودیع کند اجرای ثبت تخلیه را متوقف می کند ولی موجر می تواند به استناد تخلف مستأجر از پرداخت اجاره بها از دادگاه درخواست تخلیه عین مستأجره را بنماید.

هرگاه اجاره نامه عادی بوده یا سند اجاره تنظیم نشده باشد موجر می تواند برای تخلیه عین مستأجره و وصول اجاره بها به دادگاه مراجعه کند.

در موارد فوق هرگاه مستأجر قبل از صدور حکم دادگاه اضافه بر اجاره بهای معوقه صدی بیست آن را به نفع موجر در صندوق دادرسی تودیع نماید حکم به تخلیه صادر نمی شود و مستأجر به پرداخت خسارت دادرسی محکوم و مبلغ تودیع شده نیز به موجر پرداخت می گردد، ولی هر مستأجر فقط یکبار می تواند از این ارفاق استفاده کند، حکم دادگاه در موارد مذکور در این بند قطعی است.

تبصره ۱ - در صورتی که مستأجر دوبر طرف یکسال در اخطار یا اظهارنامه مذکور در بند ۹ این ماده اقدام به پرداخت اجاره بها کرده باشد و برای بار سوم اجاره بها را در موعد مقرر به موجر نپردازد و یا در صندوق ثبت تودیع ننماید موجر می تواند با تقدیم دادخواست مستقیماً از دادگاه درخواست تخلیه عین مستأجره را بنماید. حکم دادگاه در این مورد قطعی است.

تبصره ۲ - در صورتی که مورد اجاره به منظوری غیر از کسب یا پیشه یا تجارت اجاره داده شود از هر حیث تابع مقررات مربوط به اجاره محل سکنی خواهد بود.

تبصره ۳ - در مورد بند شش این ماده اگر مستأجر مرکز فساد که قانوناً دایر کردن آن ممنوع است در مورد اجاره دایر نماید. دادستان علاوه بر انجام وظایف قانونی خود به محض صدور کیفرخواست به درخواست موجر مورد اجاره را در اختیار موجر قرار می دهد.

تبصره ۴ - در صورتی که مستأجر محل سکنی در شهر محل سکونت خود مالک یک واحد مسکونی باشد موجر حق دارد پس از انقضای مدت اجاره تقاضای تخلیه مورد اجاره را بنماید.

❖ نکته:

موارد امکان تخلیه:

علل مربوط به مستاجر:

۱. واگذاری مورد اجاره از سوی مستاجر به دیگری بدون اذن موجر:
نکته: اگر مستاجر به موجب اجاره نامه حق انتقال به غیر را داشت، چنین انتقالی میسر بوده و نیازی به اذن موجر نمی باشد. لذا انتقال در این فرض به موجر حق تقاضای تخلیه نمی داد.
۲. تغییر شغل: بدین معنا که اگر ملک برای شغل معینی اجاره داده می شد و مستاجر بدون اذن موجر تغییر شغل می داد، موجر حق تقاضای تخلیه داشت. مگر این که شغل جدید عرفاً مشابه شغل سابق باشد.
۳. تعدی و تفریط مستاجر
۴. عدم پرداخت اجاره بها: این حالت در صورتی موجب تخلیه ملک می گردید که مستاجر ظرف مهلت مقرر اجاره بها را پرداخت ننماید و موجر با ارسال اظهارنامه در مورد اجاره نامه های عادی یا از طریق اخطاریه دفتر اسناد رسمی در مورد اجاره نامه های رسمی، اجاره بها را مطالبه نماید، با این وجود مستاجر از پرداخت اجاره بها کماکان خودداری کند. در همین مورد چنان چه موجر دعوای تخلیه اقامه می کرد و مستاجر تا قبل از صدور حکم مبلغ اجاره بها را به علاوه ۲۰ درصد به حساب صندوق دادگستری واریز می نمود دادگاه از صدور حکم تخلیه خودداری می کرد. البته استفاده از این ارفاق تنها برای یک مرتبه میسر بود.

ماده ۱۵ - علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل در موارد زیر نیز **پس از انقضای مدت اجاره درخواست تخلیه محل کسب یا پیشه یا تجارت از دادگاه جائز است:**

۱. تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید مشروط بر اینکه پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری مربوط ارائه شود. و شهرداریها مکلفند در صورت مراجعه مالک با رعایت مقررات مربوط پروانه ساختمان و یا گواهی مورد نظر را صادر و به مالک تسلیم نمایند.

۲. تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب یا پیشه یا تجارت.

۳. در صورتی که محل کسب یا پیشه یا تجارت مناسب برای سکنی هم باشد و مالک برای سکونت خود یا اولاد یا پدر یا مادر یا همسر خود درخواست تخلیه نماید.

در موارد سه گانه فوق دادگاه ضمن صدور حکم تخلیه به پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت نیز حکم خواهد داد.

❖ نکته:

موارد امکان تخلیه:

علل مربوط به موجر:

۱. تخلیه به منظور احداث ساختمان جدید:

در این حالت موجر بایستی پروانه ساختمانی یا گواهی شهرداری را ارائه نماید. که با ارائه پروانه ساختمانی و به تقاضای موجر حکم تخلیه صادر می شود. لکن پیش بینی شده بود که اگر ظرف ۶ ماه از تخلیه شروع به ساختمان نکند، به درخواست مستاجر سابق به پرداخت مبلغ معادل یک سال اجاره بها در حق مستاجر محکوم می گردید. البته اگر تاخیر در ساخت و ساز ناشی از حوادث قهری تلقی می شد موجر از پرداخت این مبلغ معاف می گردید.

۲. تخلیه به منظور احتیاج شخص موجر برای کسب و پیشه:

به این معنا که اگر موجر ثابت می کرد برای اشتغال به کسب و پیشه به عین مستاجر شخصاً نیاز دارد و البته این نیاز ثابت می گردید، دادگاه حکم تخلیه را صادر می نمود. با این وجود اگر پس از تخلیه تا یک سال از ملک استفاده شخصی نکرده بود، باز هم مستاجر حق مطالبه مبلغ فوق الذکر را داشت.

نکته: در خواست تخلیه به لحاظ نیاز های شخصی موجر، صرفاً پس از پایان مدت اجاره ممکن است و در این گونه موارد، تخلیه صورت نخواهد گرفت مگر آن که حق کسب و پیشه به طور کامل به مستاجر پرداخت شده باشد (حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی)

۳. تخلیه به منظور سکونت خود، همسر، اولاد یا پدر و مادر:

اگر ملک مورد اجاره برای سکونت مناسب بود و موجر ثابت می کرد برای سکونت خود، همسر، فرزندان یا پدر و مادر نیاز به این ملک دارد به تقاضای وی حکم تخلیه صادر می شد. در این مورد نیز اگر پس از تخلیه موجر لاقلاً به مدت یک سال برای سکونت مورد ادعا از ملک استفاده نکرده باشد به درخواست مستاجر به پرداخت معادل یک سال اجاره بها محکوم می گردید.

ماده ۱۶ - در موارد مذکور در ماده قبل و همچنین در موارد مذکور در بند ۳ و ۴ ماده ۱۴ هرگاه مالک حسب مورد تا شش ماه از تاریخ تخلیه شروع به ساختمان نکند یا حداقل مدت یکسال از محل مورد اجاره به نحوی که ادعا کرده استفاده ننماید به درخواست مستاجر سابق پرداخت مبلغی معادل یکسال اجاره بها یا اجرت المثل مورد اجاره در حق او محکوم خواهد شد مگر آنکه ثابت شود تأخیر شروع ساختمان یا عدم استفاده از مورد اجاره در اثر قوه قاهره یا مبتنی بر علل و جهاتی خارج از اراده مالک بوده است.

تبصره - در صورتی که در ملک مورد تخلیه مستاجرین متعددی باشند و موجر تقاضای تخلیه سایر قسمتها را نیز نموده باشد مهلت فوق از تاریخ تخلیه آخرین قسمت شروع خواهد شد.

ماده ۱۷ - در تمام مواردی که تخلیه عین مستاجر در نتیجه اجرای حکم یا به ترتیب مقرر در ماده ۱۳ صورت می گیرد باید از طرف دادگاه به دفتر خانه تنظیم کننده سند اجاره اعلام شود تا در ستون ملاحظات ثبت اجاره قید گردد.

فصل پنجم: حق کسب یا پیشه یا تجارت

ماده ۱۸ - میزان حق کسب یا پیشه یا تجارت که در این قانون وقوانین دیگر قید شده است بر مبنای اصول و ضوابطی که آئین نامه آن از طرف وزارتخانه دادگستری و مسکن و شهرسازی تهیه و به تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین خواهد رسید، تعیین می گردد.

ماده ۱۹ - در صورتی که مستاجر محل کسب یا پیشه یا تجارت به موجب اجاره نامه، حق انتقال به غیر داشته باشد می تواند برای همان شغل یا مشابه آن منافع مورد اجاره را با سند رسمی به دیگری انتقال دهد.

هرگاه در اجاره‌نامه حق انتقال به غیر سلب شده یا اجاره‌نامه‌ای در بین نبوده و مالک راضی به انتقال به غیر نباشد باید در مقابل تخلیه مورد اجاره، حق کسب یا پیشه یا تجارت مستأجر را پردازد والا مستأجر می‌تواند برای تنظیم سند انتقال به دادگاه مراجعه کند، در این صورت دادگاه حکم به تجویز انتقال منافع مورد اجاره به غیر و تنظیم سند انتقال در دفترخانه تنظیم‌کننده سند اجاره‌نامه سابق یا دفترخانه نزدیک ملک (اگر اجاره‌نامه رسمی در بین نباشد) صادر و رونوشت آن را به دفترخانه مربوط ارسال می‌نماید و مراتب را به‌موجر نیز اعلام خواهد نمود، مستأجر جدید از هر حیث نسبت به تمام شرایط اجاره قائم مقام مستأجر سابق خواهد بود.

هرگاه ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی منافع مورد اجاره با سند رسمی به مستأجر جدید انتقال داده نشود حکم مزبور ملغی‌الاثراً خواهد بود.

تبصره ۱ - در صورتی که مستأجر بدون رعایت مقررات این ماده مورد اجاره را به دیگری واگذار نماید موجر حق درخواست تخلیه را خواهد داشت و حکم تخلیه علیه متصرف یا مستأجر اجرا خواهد شد. و در این مورد مستأجر یا متصرف حسب مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را خواهد داشت.

تبصره ۲ - حق کسب یا پیشه یا تجارت به مستأجر همان محل اختصاص دارد و انتقال آن به مستأجر جدید فقط با تنظیم سند رسمی معتبر خواهد بود.

❖ نکته:

در قانون ۵۶ حقی برای مستاجر تحت عنوان حق کسب و پیشه و تجارت مقرر گردید، در ارتباط با این حق نکات زیر قابل توجه است:

۱. حق کسب، پیشه و تجارت فقط در اجاره اماکن تجاری ایجاد می شود یعنی در اجاره محل های مسکونی مستاجر چنین حقی نداشت.
۲. این حق به حکم قانون برای مستاجر ایجاد می شد اعم از این که در ابتدای اجاره مستاجر مبلغی به عنوان سرقفلی به مالک داده یا نداده باشد.
۳. در اجاره محل برای احداث دفتر وکالت یا مطب پزشک از آن جا که مراجعه اشخاص به پزشک یا وکیل بر حسب توانایی و شایستگی خود شخص است و ارتباطی به محل کار او ندارد حق کسب و پیشه و تجارت ایجاد نمی شد.
- ۴- اگر شخصی یک ملک تجاری را برای اشتغال به کسب و پیشه مدتی اجاره می کرد، اصولاً در زمان تخلیه این حق را داشت که مبلغی به عنوان حق کسب و پیشه دریافت نماید. میزان حق کسب و پیشه توسط دادگاه و با ارجاع امر به کارشناس تعیین می گردید. کارشناسان در تعیین میزان این حق الزحمه عواملی نظیر، موقعیت محل، مساحت و کیفیت بنا، نوع شغل مستاجر در محل، طول مدت اشتغال مستاجر در محل و ... را لحاظ می نمودند.
- ۵- اگر تقاضای تخلیه به یکی از علل مربوط به شخص موجر بود، در این صورت موجر مکلف می شد، که حداکثر ظرف ۳ ماه از تاریخ صدور حکم قطعی تمام حق کسب و پیشه را پرداخت نماید، در غیر این صورت حکم تخلیه ملغی می گردید.
- ۶- چنان چه تقاضای تخلیه به علت یکی از تخلفات مستاجر مطرح می گردید، در این صورت اصولاً مستاجر مستحق دریافت حق کسب و پیشه و تجارت نبود مگر در مورد واگذاری به غیر که در این مورد استحقاق دریافت نصف حق کسب و پیشه را داشت.
- ۷- تقاضای تخلیه به استناد نیاز های شخصی موجر در صورتی میسر بود که مدت اجاره تمام شده باشد. با این وجود در فرض تقاضای تخلیه به استناد تخلفات مستاجر با اثبات وقوع تخلف، حکم تخلیه صادر می گردید اعم از این که مدت اجاره باقی باشد یا تمام شده باشد. در فرض تخلف مستاجر، اگر مدت اجاره هنوز باقی باشد موجر بایستی دادخواست فسخ اجاره و تخلیه بدهد. اما چنان چه مدت تمام شده باشد دادخواست تخلیه کافی است و نیازی به ادعای فسخ نمی باشد.
- ۸- مقررات قانون ۵۶ و به ویژه مواد مربوط به حق کسب و پیشه جنبه آمره دارند و هر گونه توافقی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در پی بی اثر کردن این توافقات باشد باطل و بی اعتبار خواهد بود. مثلاً در ضمن اجاره شرط می شد که مستاجر در زمان تخلیه حق کسب و پیشه ندارد، چنین شرطی باطل بود و مستاجر می توانست به هنگام تخلیه حق کسب و پیشه را مطالبه نماید.

فصل ششم: تعمیرات

ماده ۲۰ - تعمیرات کلی و اساسی مورد اجاره که مربوط به اصل بنا یا تأسیسات عمده منصوبه در آن از قبیل دستگاههای حرارت مرکزی و تهویه و آسانسور باشد به عهده **موجر** است و تعمیرات جزئی و همچنین تزیین و تعمیری که مربوط به استفاده بهتر از مورد اجاره باشد با **مستأجر** خواهد بود.

ماده ۲۱ - رسیدگی به اختلاف بین موجر و مستأجر راجع به تعمیرات با دادگاه است در صورتی که موجر تعمیرات کلی مورد حکم دادگاه را در مهلتی که از طرف دادگاه تعیین می شود انجام ندهد مستأجر می تواند برای فسخ اجاره به دادگاه مراجعه کند یا از دادگاه درخواست کند به او اجازه داده شود تعمیرات مزبور را با نظارت دایره اجرا انجام داده مخارج آن را حداکثر تا معادل ششماه اجاره بهایه حساب موجر بگذارد.

..... قوانین خاص حقوقی و کیفری

ماده ۲۲ - هرگاه مستأجر مانع مالک از انجام تعمیرات ضروری شود دادگاه مستأجر را به رفع ممانعت ملزم و مهلت مناسبی برای انجام تعمیرات تعیین می‌نماید.

در صورت ادامه ممانعت دادگاه می‌تواند حکم به تخلیه موقت بنا برای مدت مذکور بدهد. در هر حال مستأجر مسؤول خسارتی است که در نتیجه ممانعت از تعمیر بنا حاصل شده باشد.

تبصره - رسیدگی به دعاوی مذکور در مادتين ۲۱ و ۲۲ خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی صورت خواهد گرفت و حکم دادگاه قطعی است.

ماده ۲۳ - اقامه دعوی تخلیه از طرف موجر مانع رسیدگی به دعوی تعمیرات نیست
هرگاه دادگاه حکم به تخلیه مورد اجاره صادر نموده باشد و حکم مزبور قطعی نباشد حکم الزام به تعمیر در صورت فسخ حکم تخلیه به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۲۴ - در صورتی که مستأجر در مورد اجاره حق استفاده از انشعاب آب یا برق یا تلفن یا گاز یا تأسیسات حرارت مرکزی یا تهویه یا آسانسور و امثال آن داشته باشد موجر نمی‌تواند جز در مورد تعمیرات ضروری آن را قطع یا موجبات قطع آن را فراهم نماید مگر اینکه مستأجر بهای مصرف خود را طبق شرایط اجاره پرداخته باشد.

در صورت تخلف، دادگاه به درخواست مستأجر فوراً بدون رعایت تشریفات دادرسی موضوع را مورد رسیدگی قرار داده عندالاقضاء ترتیب وصل آن را خواهد داد. دستور دادگاه بلافاصله قابل اجرا است. موجر می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادگاه به آن اعتراض کند. اعتراض در همان دادگاه رسیدگی می‌شود و تصمیم دادگاه قطعی است.

تبصره ۱ - هرگاه علت قطع جریان برق یا آب یا تلفن و غیر، بدهی موجر به سازمانهای مربوط بوده و اتصال مجدد مستلزم پرداخت بدهی مزبور باشد و مستأجر می‌تواند براساس قبوض سازمانهای مربوط وجوه مذکور را بپردازد و از اولین اجاره بها کسر نماید.

تبصره ۲ - تعمیرات تأسیسات و قسمتهای مشترک آپارتمانهای مشمول قانون تملک آپارتمانها تابع مقررات مربوط به خود خواهد بود.

ماده ۲۵ - هرگاه مالک قصد فروش ملک خود را داشته یا بخواهد وضع ملک را از جهت امکان وجود خرابی یا کسر و نقصان در آن، مشاهده نماید و متصرف ملک مانع از رؤیت خریدار یا مالک گردد، مالک یا نماینده قانونی او می‌تواند برای رفع ممانعت به دادستان یا دادرسی دادگاه بخش مستقل محل وقوع ملک مراجعه کند. دادستان یا دادرسی دادگاه حسب مورد به مأمورین شهربانی یا ژاندارمری و یا مأمورین اجرا دستور می‌دهد تا خریدار و مالک به معیت مأمورین ملک را رؤیت نمایند. تشخیص ضرورت امر در حدود متعارف با مقام صادرکننده دستور است.

ماده ۲۶ - رسیدگی به کلیه دعاوی موضوع این قانون در دادگاه شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش مستقل به عمل می‌آید. مگر دعاوی راجع به دولت که منحصر در دادگاه شهرستان رسیدگی می‌شود حکم دادگاه در هر صورت حضوری محسوب و فقط قابل پژوهش است، مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد رسیدگی به دعاوی مربوط به اتاقهای استیجاری کماکان در صلاحیت شورای داوری است.

تبصره - در موردی که میزان خواسته در تقاضای تعیین اجاره بها ماهانه زاید بر چهار هزار ریال نباشد حکم دادگاه قطعی است.
ماده ۲۷ - در مواردی که حکم تخلیه صادر می‌شود دادگاه ضمن صدور حکم مهلتی که از ده روز کمتر و از دو ماه بیشتر نباشد، برای تخلیه تعیین می‌نماید.

حکم تخلیه مدارسی که با اجازه رسمی مقامات صلاحیتدار تأسیس شده در تعطیلات تابستان اجرا خواهد شد.

تبصره ۱ - در مواردی که حکم تخلیه با پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر می‌شود مهلهای مذکور در این ماده از تاریخ تودیع یا پرداخت وجه مزبور شروع خواهد شد.

تبصره ۲ - در مواردی که حکم تخلیه به علت عدم پرداخت اجاره بها صادر می‌شود حداکثر مهلت ۱۵ روز خواهد بود.

ماده ۲۸ - در مواردی که حکم تخلیه عین مستأجره با پرداخت حق کسب یا پیشه یا تجارت صادر و قطعی می‌شود موجر مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ حکم قطعی وجه معینه را در صندوق دادگستری تودیع یا ترتیب پرداخت آن را به